

نقش حق بر شهر در ارتقاء حقوق شهروندی

عماد کتابچی: کارشناس ارشد شهرسازی شهرسازی و کارشناس معماری، گروه شهرسازی، موسسه آموزش عالی آپادانا، شیراز، ایران

Emad.ketabchi@gmail.com

مائده ولی بیگی: کارشناس شهرسازی، دانشگاه پیام نور شیراز مرکز شیراز

Valibeigimaede@gmail.com

چکیده

درباره مبنای حق گفتگو بسیار است. پاره‌ای از نویسندگان اراده را منبع حق شمرده‌اند و گفته‌اند: «حق عبارت از توانایی است که با اراده اشخاص داده شده است». بنابراین عنصر اصلی حق اراده است که به وسیله قوانین حاکمیت یافته است. گروه دیگر در تعریف حق گفته‌اند: «نفعی است که از نظر حقوقی حمایت شده». بر طبق این نظر، صاحب واقعی حق کسی است که از آن سود می‌برد نه آنکه اراده میکند. ولی بیشتر نویسندگان حقوق مدنی مفهوم حق را از شخصیت جدا نمی‌بینند و آن را در اختیار شخصی خلاصه می‌کنند و به نظرشان، حق از اختیارات شخصی است، خواه طبیعی باشد یا حقوقی. در جامعه‌ی ما امروزه، در حوزه‌های مطالعاتی جامعه‌شناسی و شهرسازی، تحت تفاسیر و برداشت‌های متعدد، به نظریه "حق بر شهر" و چگونگی دستیابی و بهره‌گیری از آن در فرایند تولید و بازتولید فضا به طرق مختلف در شهرها به عنوان یکی از ضروریات زندگی شهری و حقوق شهروندی، توجه بسیاری شده است. نوشتار حاضر بررسی رابطه بین "حق بر شهر" و "حقوق شهروندی" و نقش حق بر شهر در ارتقاء آن است. چارچوب نظری مورد استفاده، نظریه حق بر شهر هنری لوفر است. پژوهش حاضر از نوع کاربردی و روش آن توصیفی و تحلیلی است. اطلاعات لازم برای این پژوهش به روش اسنادی و از طریق مطالعات کتابخانه‌ای به ویژه مقالات جمع‌آوری و گردآوری شده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد بین دو مفهوم "حق بر شهر" و "حقوق شهروندی" ارتباط معنا داری وجود دارد.

واژگان کلیدی: حق بر شهر، حقوق شهروندی، شهروند، شمولیت اجتماعی، حکمروایی.

^۱ مقاله فوق برگرفته از پایان نامه خانم مهندس مائده ولی بیگی می باشد که در دانشگاه پیام نور مرکز شیراز به راهنمایی آقای مهندس عماد کتابچی به انجام رسیده است.

۱. مقدمه

شهروند به افرادی اطلاق می‌شود که تابعیت کشوری را دارا می‌باشند و به تبع این وابستگی از حقوق و مزایایی برخوردار می‌شوند که در قانون اساسی و سایر قوانین عادی در آن کشور به تصویب رسیده است. در واقع می‌توان گفت که شهروندی یکی از فرآیندهای جامعه مدرن بوده و به عنوان منزلتی اجتماعی در نگرش به جامعه مدنی تلقی می‌شود که به موجب آن امکان برخورداری از حقوق و قدرت را فراهم می‌کند (محسنی، ۱۳۹۸: ۱۱۸). شهروندی، یک موقعیت عضویت است که شامل مجموعه‌ای از حقوق و وظایف و تعهدات است و بر برابری عدالت و استقلال دلالت دارد (منوچهری و جعفری، ۱۳۹۳: ۱۳۸ برگرفته از: فالکس، ۱۳۸۱: ۱۴). شهروندی، نشانه بلوغ فکری انسان به عنوان موجود اجتماعی و حرکت به سوی برابری و قانونمداری است. شهروند در برابر قدرتی که میل به فساد دارد سکوت نمی‌کند، به بردگی تن نمی‌دهد و فرمانبری مطلق را نمی‌پذیرد. او از آزادی طبیعی می‌گذرد تا به آزادی مدنی برسد و در امنیت و صلح ادامه حیات دهد. مدیران، در جامعه شهروندمدار، به شیوه پادشاهان حکمرانی نمی‌کنند و شهروندان را رعایای خود نمی‌پندارند. تبدیل رعیت به شهروند، یک واژه گزینی ساده نیست؛ معماری قدرت، در چنین فرآیندی تغییر میکند و جایگاه فرد عمیقاً ارتقاء می‌یابد. احترام به حقوق شهروندی نشانه حرکت به سوی تمدن و تکریم انسان به عنوان خلیفه پروردگار بر روی زمین است (کریمی و کامیار، ۱۳۹۶: ۸۳).

حفظ حقوق مردم و احترام به آزادی‌های از جمله وظایف دولت مردمی در جامعه مدنی مشروع شهروندان است. اصول مختلفی از قانون اساسی بر آزادی‌ها و حقوق شهروندان در امور مختلف زندگی تاکید می‌ورزد (شمس ناتری و عطازاده، ۱۳۸۷: ۶۷). نقض آزادی‌ها یا حقوق و رفتارهای مغایر کرامت انسانی گاهی ممکن است از سوی شهروندی عادی صورت گیرد. در این صورت چنین رفتاری تجاوز و تعدی یک شهروند به شهروند دیگر تلقی شده و با دخالت مقامات مربوطه و بر اساس قانون، شخص متجاوز پاسخ جامعه را دریافت خواهد کرد. آنچه که خطرناک بوده و مشروعیت یک حکومت یا عادلانه بودن رفتارهای آن را مخدوش می‌سازد این است که اینگونه رفتارهای ظالمانه توسط صاحب منصبان و مقامات قضایی، امنیتی یا اجرایی ارتکاب یابند. چنین رفتاری نیز از دو حال خارج نیست؛ یا ویژگی حکومت اینگونه است و حکومت حفظ حیات خود را تنها با اعمال این شیوه‌ها ممکن می‌بیند که در این صورت حکومتی استبدادی بوده و ثبات و بقایش با ظلم بر شهروندان معنا پیدا می‌کند و دولت نیز نه تنها چنین رفتارهایی را مورد مجازات قرار نمی‌دهد بلکه چه بسا جهت تشویق بدان اقدام مقتضی اعمال می‌دارد (شمس ناتری و عطازاده، ۱۳۸۷: ۶۷).

از این رو رشد و گسترش روزافزون شهرها از یکسو و اهمیت مطالعه در زندگی شهری و شیوه‌های دستیابی به حقوق شهروندی از سوی دیگر سبب شده است تا زمینه‌های لازم برای طرح مباحثی در مفهوم حق به شهر مطرح گردد، مفهومی که برای بار اول توسط هنری لوفیور (بیان گردید (یغفوری و کاشفی دوست، ۱۳۹۷: ۵۸ برگرفته از: تقوایی و همکاران، ۱۳۹۴: ۸۹). او بر این باور است که انباشت سرمایه در جوامع سرمایه‌داری معاصر، از طریق شهری شدن اتفاق می‌افتد و هم زمان نظارت بر و مراقبت از شهر از شهروندان گرفته و منافع حاصل از شهری شدن به نفع سرمایه (دولتی یا خصوصی) مصادره می‌شود. حق به شهر به طور عام در صد پس‌گرفتن نظارت بر و مراقبت از شهر و استفاده از منافع شهری شدن سرمایه است. امروزه حق به شهر موضوع جنبش‌های اجتماعی و اصلاحات قانونی بسیاری در سراسر جهان شده است که به چند تجربه عملی در این زمینه نیز اشاره می‌شود (حبیبی و امیری، ۱۳۹۴: ۹). دیوید هاروی (در سخنرانی در فوروم جهانی اصلاحات شهری ۲۰۰۹ ژانویه، شهر بلم برزیل چنین گفت: «مارگارت تاچر می‌گفت هیچ گزینه دیگری در کار نیست، ما گوییم بی شک گزینه دیگری هست، بی شک گزینه‌ای در مقابل سرمایه‌ای وجود دارد و می‌توانیم این گزینه را در حق به شهر بیابیم حق به شهر را باید به خواسته‌های عمومی و جهانی تبدیل کنیم. این ماموریتی است که امید دارم همه با هم از عهده اش بر می‌آییم» (حبیبی و امیری، ۱۳۹۴: ۱۰ برگرفته از: ساگرینیس و متیوت، ۲۰۱۰: ۳۰). حق به شهر نمایانگر حق ساکنان به دسترسی کالبدی، تصرف و استفاده از فضای شهری برای تامین نیازهای خودشان است (پور محمدی، روستایی و دیگران، ۱۳۹۷: ۲ برگرفته از: Massey, 1994: 189).

۲. بیان موضوع و ضرورت طرح مسأله

شهروندی از مهمترین ایده‌های سیاسی اجتماعی عصر کنونی است که در تفکرات جامعه شناسی به مهم‌ترین ملاک مشروعیت نهادهای دموکرات بدل گردیده است، به طوری که بسیاری از مسائل اجتماعی از منظر نظریه‌های شهروندی مورد بررسی قرار می‌گیرند. واژه شهروند معمولاً با واژه دولت همراه است و ظهور مدرن آن را می‌توان مصادف با پیدایش نخستین دولت‌های ملی دانست که مطابق آن، دولت قدرت خود را ناشی از ملت دانسته و در قبال ملت احساس مسئولیت میکند. شهروند نیز در دولت‌های جدید، برخلاف رعیت در دولت‌های قدیم، از حقوق و تکالیف متقابل در ارتباط با دولت برخوردار است که از جمله این حقوق میتوان به آزادی عقیده و بیان، تساوی در مقابل قانون، مصون بودن جان، مال، مسکن و شغل از تعرض، تشکیل اجتماعات، تامین اجتماعی، آموزش و پرورش رایگان، حق دادخواهی، حق تابعیت اشاره کرد که در برابر برخورداری از هر کدام تکالیفی نیز بر فرد مترتب می‌شود (شیبانی و زارع، ۱۳۹۷: ۹۶ برگرفته از: مارشال، ۱۹۹۴). امروزه، توجه به حقوق شهروندی، و پاسداری از آن به یکی از گفتمان‌های پرطرفدار در عرصه حقوق داخلی و حتی حقوق بین‌الملل تبدیل شده است. شهروندی به مثابه فرآیند اجتماعی و سیاسی قرن نوزدهم در جوامع سنتی مدنی به صورت تعامل جدی بین دولت و ملت مطرح و به طور همزمان با مسأله عضویت در دولت - ملت‌ها از شهروندی به عنوان یک پدیده مهم اجتماعی و سیاسی بحث شده است. مباحث اجتماعی مدرن از مولفه‌های محوری نظام‌های سیاسی دموکراتیک و شاخصی کلیدی برای نشان دادن تحقق دموکراسی در یک جامعه مدرن است که برخوردار از حوزه عمومی و جامعه مدنی کارآمد و پویاست. اهمیت حقوق شهروندی تا بدان حد است که رابطه نزدیکی با جایگاه حاکمیت پیدا می‌کند. چنان که برخی از کارشناسان بر این نظراند، جامعه‌ای که در آن حقوق شهروندان نهادینه نشده باشد، رابطه مردم و حاکمیت دچار تزلزل است. نظر به ضرورت شناخت اجمالی از حقوق شهروندی، به ویژه در کشور ما که متأثر از موازین قانونی و تعالیم اسلامی است، باید این مفهوم با ویژگی مورد اشاره در کشور مورد شناسایی و بررسی قرار گیرد. نظر به اینکه، ارائه ملاک و معیار روشن برای تعیین حقوق شهروندی حمایت شده، بدون توجه به مقررات مرتبط امکان پذیر نیست، اشاره به اهم مقرراتی که حقوق شهروندی را مشخص می‌کند، ضرورت می‌یابد (مرادیان و رحیمی، ۱۳۹۷: ۳۸). سرمایه داری در بطن خود به خصوصیات متناقض دامن می‌زند و نمی‌تواند راه پویایی جوامع و مطالبات اجتماعی را سد کند و خواسته ساکنان و شهروندان شهر برای دست یابی به مسکن شایسته و فضای سکونتی مطلوب نمی‌تواند بی پاسخ بماند؛ چنین مطالبه‌ای در کنار تناقضات درونی به ناچار راه به نوع دیگری از شهر و فضای شهری

می‌گشاید، فضایی که در آن ارزش استفاده خود را بر ارزش مبادله تحمیل می‌کند مانند انقلاب‌ها، اعتراض‌ها و کنش‌هایی که شهر زمینه آن را فراهم آورده است. شهر در ذات خود واجد امکاناتی رهایی بخش است. امکاناتی خارج از سیطره ایدئولوژی فروکاهنده سرمایه داری که خود را، چه در جنبش اعتراضی و چه در زندگی روزمره شهری، به نمایش می‌گذارند (حبیبی و امیری، ۱۳۹۴: ۱۰).

در ایران درخواست برای فضاهای شهری منطبق بر نیازهای مدنی شهروندان در زیست روزمره شهر به وضوح دیده می‌شود. فضا‌های خودگردانی که از سلطه عرصه دولتی می‌گریزند، تلاش ساکنان محله‌هایی فقیرنشین و سکونتگاه‌های غیررسمی برای ارتقای کیفی محیط که منتظر مداخله نهاد‌های رسمی دولت نمی‌نشینند، ظهور سمن‌ها که هر یک سعی دارند برای بخشی از فضاهای زیست و زیستی شهر راه حلی بیابند - از سازمان‌های حمایت از کودکان کار تا ایمن‌سازی محیط برای زنان آسیب‌پذیر نمونه‌ای از این خواسته هستند. خواسته‌هایی که گاه در خیابان‌های شهری نیز متجلی می‌شود. حق به شهر، بیش از هر زمان دیگر برای شهر ایرانی و به ویژه تهران ضروری است. روند کنونی نمی‌تواند بیش از این ادامه یابد. اکنون تهران در کنار شهرهایی چون داکا و نیومکزیکو به «سیاه‌چاله» تبدیل شده است. به این معنا که بخش بزرگی از سرمایه ملی را می‌بلعد، ولی در نهایت حتی از فراهم آوردن زیست مطلوب برای ساکنان خودش نیز ناتوان است چه رسد به اینکه بخواهد با شهرهای جهانی رقابت کند و سرمایه‌های بین‌المللی را جذب نماید (حبیبی و امیری، ۱۳۹۴: ۱۱).

در دهه‌های اخیر تحولات پدید آمده در سطح جهان، شهروندی را نه تنها به عنوان موضوع رفتار در جامعه، حقوق و وظایف افراد و تکالیف و مسئولیت‌های دولت و مشارکت، بلکه به عنوان موضوعی نیازمند تفکر و تجربه مطرح نموده است. اهمیت این موضوع زمانی آشکار می‌شود که اغلب تحولات در شهرها و به ویژه کلانشهرهایی چون تهران رخ داده است. به عبارتی مرکزیت سیاسی و اقتصادی شهر تهران بر روند اثرپذیری جهان افزوده است. لذا در چنین شرایطی جامعه نیازمند شهروندی پایدار در چارچوب حقوق و مسئولیت‌های شهروند شهری شناخته شده و به کار گرفته شده است. باید متذکر شد شهر تهران با مسائل متعددی مانند جرائم خشونت بار، حاشیه‌نشینی، آلودگی‌های زیست محیطی، کمبود مسکن، معضلات ترافیکی، بافت‌های فرسوده، کمبود فرصت‌های فراغتی و تفریحی، مراکز بهداشتی و درمان در زندگی شهری روبرو است. حل این نیازمند تعامل اثرگذار میان مدیریت شهری و شهروندان است. با تحقق شرایط ایده‌آل حکمرانی خوب در کلانشهر تهران میتوان امیدوار به مشارکت‌سازنده و اثرگذار شهروندان بود که نتیجه آن کاهش مسائل شهری باشد (شیبانی و زارع، ۱۳۹۷: ۹۷ و ۹۸).

۳. اهداف تحقیق

۳-۱- هدف کلی

بررسی وجود رابطه معنا دار میان دو مفهوم حق بر شهر و حقوق شهروندی و ارائه چارچوبی نظری تحلیلی و مدلی مفهومی در این رابطه

۳-۲- اهداف جزئی

- بررسی و شناخت مولفه‌های حق بر شهر

- بررسی حقوق شهروندی و معیارها و شاخص‌های مرتبط با آن

- ارائه چارچوب نظری از ارتباط میان حق بر شهر و حقوق شهروندی و یافتن ارتباطات مؤثر بین عوامل و معیارهای این دو پارادایم با نگاهی تحلیلی

۴. سوالات تحقیق

الف- آیا میان مفهوم حق بر شهر و حقوق شهروندی ارتباط معناداری وجود دارد؟

ب- آیا توجه به مفاهیم حق بر شهر می‌تواند موجب ارتقاء حقوق شهروندان شود؟

۵. روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع کاربردی و روش آن توضیحی و تحلیلی است. اطلاعات لازم برای این پژوهش و از طریق مطالعات کتابخانه‌ای از کتب مرتبط و به ویژه مقالات معتبر جمع‌آوری و گردآوری شده است. این اطلاعات سپس با نگاهی تخصصی مورد تحلیل قرار گرفته و با بررسی قرابت و تطبیق شاخص‌های دو پارادایم حق بر شهر و حقوق شهروندی و با شیوه اکتشافی به ارائه چارچوبی نظری - تحلیلی و مدل مفهومی گرافیکی از ارتباطات میان شاخص‌های دو پارادایم می‌پردازد به طوری که چنین بر می‌آید که دستیابی به شاخص حق بر شهر سبب ارتقا حقوق شهروندی می‌شود.

۶. پیشینه تحقیق

۶-۱- بررسی برخی از کتابهای مرتبط با موضوع (حق بر شهر)

• کتاب «حق به شهر: ریشه‌های شهری بحران‌های مالی» نوشته دیوید هاروی و اندی مری فیلد آست و توسط خسرو کلانتری ترجمه شده است. در این کتاب

بیان میکند که این پرسش که چگونه شهری مطلوب ما است نمی‌تواند جدا از این پرسش باشد که خواستار چه نوع روابط اجتماعی، ارتباط با طبیعت، شیوه‌ی زندگی، تکنولوژی و ارزش‌های زیباشناختی هستیم. 'حق به شهر' بسیار فراتر از آزادی فردی در دسترسی به امکانات شهری است. حق به شهر حق تغییر دادن خودمان از طریق تغییر دادن شهر است. به علاوه، این حقی عمومی و نه فردی است، چه این دگرگونی به‌طور اجتناب‌ناپذیری وابسته به اعمال نیروی جمعی در تغییر شکل دادن به روند توسعه‌ی شهری است. من می‌خواهم چنین استدلال کنم که آزادی ساختن و بازساختن شهرها و خودمان یکی از با ارزش‌ترین، و در عین حال فراموش شده‌ترین، حقوق بشر است (بخشی از کتاب). در نظام سرمایه داری مسکن بیش از هر چیز شکل کالا به خود می‌گیرد و تولید آن نه برای رفع نیازهای فردی و اجتماعی مردم که به منظور ایجاد ارزش اضافی و سودآوری انجام می‌شود. ملاحظات اقتصادی از مهم‌ترین عوامل در طرح و توسعه‌ی شهری است. این که یک ناحیه‌ی مسکونی شهر تخلیه و بافت سنتی آن ویران شود، اجتماع ساکنان آن متلاشی گردد و شهروندان به حاشیه‌ی شهر رانده شوند تنها مسائلی جانبی خواهند بود، اگر تأسیسات جایگزین باعث افزایش قیمت زمین یا سودآوری بیشتری برای سرمایه باشد. ساخت و توسعه‌ی شهری همچنین تابع ملاحظات سیاسی حکومت است.

حکومت عمدتاً نماینده‌ی طبقه‌ی معینی است، و با آن که گرایش‌ها یا قشرهای مختلف آن، گاه از لحاظ نحوه‌ی اعمال حاکمیت تفاوت‌هایی دارند ولی از لحاظ ضرورت اصل حاکمیت بر مردم مشابه‌اند. یعنی در این اصل که شهر باید به‌گونه‌ای ساخته شود که سلطه‌ی آن‌ها تأمین شود. یعنی این امر که مردم به چه سهولتی بتوانند یا نتوانند با هم ارتباط پیدا کنند، این امر که امکان گسترش حرکات مردمی چگونه باشد، تبدیل می‌شود به یک امر مهم و مرکزی و ابزار مؤثر سیاسی در دست حاکمیت سرمایه‌داری (هاروی و مری فیلد، ۱۳۹۲).

• کتاب «از حق به شهر تا شهرهای شورشی»

کتاب «از حق به شهر تا شهرهای شورشی» به نویسندگی دیوید هاروی و مترجمی خسرو کلاتتری و پرویز صداقت است. این کتاب بیان میکند که شهر سنتی را توسعه‌ی حاکم سرمایه‌دارانه به قتل رسانده است؛ این شهر قربانی نیاز پایان ناپذیر برای مسئله‌ی اضافه انباشت سرمایه برای رشد بی‌پایان و بی‌قاعده‌ی شهری می‌شود، صرف‌نظر از بی‌آمدهای اجتماعی، زیست‌محیطی و سیاسی آن. ادعای حق به شهر در حقیقت ادعای چیزی است که دیگر وجود ندارد (اگر حقیقتاً زمانی وجود داشته). به‌علاوه، حق به شهر یک دال تهی است. همه‌چیز منوط به آن است که چه مدلولی در آن قرار داده شود؛ فعالان بخش مالی و ساخت و سازکنندگان می‌توانند مدعی آن شوند، و تردیدی نیست که حق‌شان است. اما بی‌خانمان‌ها و مهاجران نیز می‌توانند حق خود را طلب کنند. ما به ناگزیر در برابر این پرسش قرار می‌گیریم که حقوق چه‌کسانی را باید به رسمیت بشناسیم. در عین حال، چنان‌که مارکس در سرمایه بر آن تأکید می‌کند، "سرنوشت حقوق برابر را قدرت رقم می‌زند". تعریف حق خود موضوع مبارزه است و این مبارزه باید هم‌زمان با مبارزه برای تبلور مادی آن پیش برود (هاروی، ۱۳۹۸).

۶-۲- بررسی برخی از کتب معتبر در خصوص موضوع (حقوق شهروندی)

• کتاب «نگاهی به حقوق شهروندی»

کتاب «نگاهی به حقوق شهروندی» براساس موازین اسلامی و دینی، نوشته حمیدرضا اکبری، تدوین و گردآوری شده است. اکبری این کتاب را با بهره‌برداری از کتاب‌هایی چون کتب شهید مرتضی مطهری، برخی کتاب شهید ثانی و... در بخش‌هایی چون مبانی حقوق شهروندی، تبیین حقوق شهروندی در بخشنامه قوه قضائیه، ویژگی حقوق شهروندی از نگاه حضرت علی(ع)، ویژگی حقوق شهروندی از نگاه امام راحل(ره)، کرامت انسانی در حقوق شهروندی و اسلام و عدالت، تهیه کرده است. در این کتاب آمده است، معنای اصلی حقوق شهروندی رعایت و حفظ حقوق افراد و انسان‌ها در بخش کلان جامعه است، بنابراین اصطلاح حقوق شهروندی از نظر مفهومی پدیده نوظهوری نمی‌تواند باشد چون پیش از این در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و در فرمان هشت ماده‌ای امام خمینی(ره) در سال ۱۳۶۰ حقوق مردم و حقوق عمومی تصریح شده است.

اصطلاح حقوق شهروندی برای اولین بار با صدور بخشنامه رئیس قوه قضائیه در ۲۰ فروردین ماه سال ۱۳۸۳ در مورد رعایت حقوق شهروندان وارد نظام حقوقی ایران شد. در بخش دیگر کتاب «نگاهی به حقوق شهروندی» در تعریف شهروند آورده شده، می‌توان گفت شهروند قانون‌مدار و آشنا به حقوق خود کسی است که حقوق فردی و جمعی خود را می‌شناسد و از آن دفاع می‌کند. اما حقوق شهروندی در اسلام نه همچون مکتب حقوق طبیعی است که تنها ملاک آن را واقعیت عینی بدانند و نه مانند مکتب حقوق عملی محض است که تنها دستورات عقل، عملی را ملاک حقوق و قانون قرار دهد. قوانین حقوقی اسلام نه صرفاً واقعیتی مکشوف است و نه اعتباری مجهول، بلکه اعتباراتی است مبتنی بر واقعیات. اعتباراتی که اعتبارکننده آن خداوند علیم و حکیم است که برای شهروندان قوانینی بر اساس عدالت و برابری وضع می‌کند (اکبری، ۱۳۹۵).

• کتاب «شهروند و حقوق شهروند در ادیان آسمانی و باورهای زمینی»

کتاب شهروند و حقوق شهروند در ادیان آسمانی و باورهای زمینی؛ کاری از آقایان سید امیرحسین قریشی و شورش عزیزی در سال ۱۳۹۶ مجوز چاپ گرفت. این کتاب در سه فصل و با ۱۳۲ صفحه به بیان تعریف شهروند و حقوق شهروندان در ادیان آسمان و باورهای زمینی پرداخته است. در این کتاب آمده است: در اینکه برای بشر حقوقی مطرح است، تردیدی نیست؛ اما سخن این است که نگرش دین به این حقوق چگونه است؟ آیا دین حقوق انسان را به رسمیت می‌شناسد یا خیر؟ مجازات‌های دنیوی و اخروی انسان با حقوق او چگونه قابل جمع است؟ مکلف بودن انسان در دین، با دارا بودن حقوق انسانی چگونه پیوند می‌خورد؟ دین مجموعه‌ای از قوانین است، دین آفرین همان انسان آفرین و جهان آفرین است و انسان آفرین به حقیقت و جایگاه انسان و مصالح و منافع او آگاه است؛ بنابراین برنامه‌هایی را برای تأمین حقوق، منافع و مصالح بشر تدوین و در مجموعه‌ای از بایدها و نبایدها برای تأمین و حفظ حقوق انسانی تبیین کرده است. بایدها راه تأمین حقوق و نبایدها نشان دهنده موانع و آفات تأمین حقوق هستند.

هنگام تحقیق در حوزه حقوق و تکالیف شهروندی با سوالات زیر مواجه می‌گردیم. شهروند کیست؟ حقوق شهروندی چیست؟ چه کسانی می‌توانند این حقوق را داشته باشند؟ در کجا می‌توان آن را جست و جو کرد؟ و... همانگونه که می‌دانیم قانون باید همه شهروندان یک جامعه را به یک چشم نگاه کند و اینگونه است که می‌توان گفت حقوق و تکالیف همه در برابر قانون معین است و هر کسی در قبال حقی که به او تعلق می‌گیرد موظف است و وظیفه‌هایی بر عهده دارد. تعاریف زیادی در مورد شهروند و حقوق شهروندی ارائه گردیده. در این کتاب سعی بر آن است که حقوق و تکالیف مردم (شهروندان) را مورد بررسی قرار دهند. برای این منظور ابتدا شهروند و حقوق شهروندی را تعریف می‌کنند. اما به زبان ساده تر در تعریف شهروند می‌توان گفت: «به اعتقاد کارشناسان امور اجتماعی و جامعه‌شناسان؛ شهروندی زمانی که به حقوق یکدیگر و قوانین اجتماعی احترام می‌گذارند و به مسئولیت‌های خویش در قبال شهروندان دیگر و اجتماع عمل می‌نمایند به شهروند ارتقا می‌یابند» (قریشی و عزیزی، ۱۳۹۶).

• کتاب «زمینه‌ها، ابعاد و آثار حقوق شهروندی»

کتاب «زمینه‌ها، ابعاد و آثار حقوق شهروندی»، نوشته حسین شریفی طرازکوهی در ۱۴ بهمن ۱۳۹۲، در ۳۶۸ صفحه تدوین و گردآوری شده است. نویسنده محترم در بخشی از مقدمه کتاب حاضر بیان داشتند که روند پر شتاب جهانی شدن امور، که توامان همگون سازی و گونه‌گونی را افاده می‌کند، حکایت از این واقعیت دارد که امروزه در دنیای کم و بیش زندگی می‌کنیم نه دنیای همه یا هیچ. دنیایی که فارغ از زمینه‌ها و عوامل ذی‌مدخل سیاسی، بر ابعاد اخلاقی-انسانی تکیه دارد و به موازات آن افکار عمومی جهانی به تاسی از آموزه‌های عقلانی، اخلاقی و وجدانی و ضد ارزش تلقی کردن خشونت، اصل شرافت و کرامت انسان را ملاک برخورداری شهروندان جوامع از استحقاق‌های حیات جمعی و فردی تلقی می‌کند و آن را مستلزم ایجاد نظم حقوقی می‌داند. حقوق شهروندی در واقع حد وسط حقوق دولت و حقوق آحاد جامعه تلقی می‌گردد.

به عبارت دیگر حقوق شهروندی میان تکالیف و حقوق انسان به مثابه موجودی ذی شعور که بنا دارد با همگنان خود در جامعه‌ای صلح آمیز زندگی کند و اخلاق و عقل و وجدان خود را در پرتو درکی که از ارزش‌های حیات مشترک بشری دارد، در یک فضای تعاملی ارتقا بخشید. مردم و شهروندان جامعه از دولت مقتدر خود درخواست دارند تا امنیت خاصی برای آن‌ها فراهم نمایند که نگرانی‌ها و دغدغه‌های آن‌ها در جهان صنعتی، در زندگی متأثر از این روند پیچیده و کسل کننده را کاهش دهد. باید تاکید شود که حاکمیت فعال پویا و منعطف، اما حاذق و مقتدر متعلق به جامعه‌ای است که آحاد آن آگاهانه و مسئولانه نسبت به کارکرد نهادهای حاکمیتی، حساس‌اند و واکنش نشان می‌دهند؛ ارزیاب نقاد هستند، نه نظاره‌گر صرف؛ یعنی روابط بین دولت و شهروندان، حاکمیت و آحاد اجتماع، به کارکرد حاکمیت، عمق و گستره می‌بخشد. اگر کارکرد اساسی دولت و نهادهای حاکمیتی-عمومی حفظ نظم، تامین امنیت و اجرای قانون باشد، این غایت برای جامعه و آحاد شهروندان باید طراحی و اجرا گردد به گونه‌ای که نه تنها شفاف و قابل ارزیابی باشد بلکه از ساز و کارهای نظارتی و کنترلی لازم نیز برخوردار باشد (شریفی طراز کوهی، ۱۳۹۶)

• کتاب «حقوق و قوانین شهروندی در شهرسازی»

کتاب حقوق و قوانین شهروندی در شهرسازی توسط علی عصارى در سال ۱۳۹۷، در چهار فصل و در ۱۶۸ صفحه نشر شده است. نویسنده کتاب در بخشی از مقدمه کتاب بیان داشتند که از جمله مفاهیم نوینی که امروزه به طور ویژه‌ای به آن پرداخته می‌شود و در نظریات اجتماعی، سیاسی و حقوقی جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده، مفهوم شهروندی است. این مفهوم ریشه در سنت فکری یونان باستان دارد فلاطون اولین فیلسوف و متفکر سیاسی است که به این مفهوم در نظریات خود پرداخته است. شهروندی را می‌توان نوعاً یک قوا و زاینده حقوق مختلف برای شهروندان دانست. شناخت از شهروندی و حقوق مختلف آن سطح توانایی‌های افراد را نیز برای قضاوت در امور مربوطه بالا می‌برد. از این رو اطلاع و آگاهی از حقوق شهروندی و دانسته‌های مربوط به فعالیت‌های تخصصی و حرفه‌ای افراد نیازی اجتناب ناپذیر می‌باشد از طرفی تدوین قانون جامع شهری و به توجه به محورهای اساسی قوانین جامع شهری، ضامن توفیقات مدیریت شهری می‌گردد. از دیگر سو با قوانین حمایتی، تشبیهی و نیز قوانین بازدارنه و پیشگیرانه ضمانتی برای مسئولیت‌پذیری مدیران خواهد شد. به منظور نیل به کمال مطلوب در حوزه مدیریت شهری را به دنبال خواهد داشت. حقوق شهروندی به عنوان رویکردی که به انواع حقوق انسانی در جامعه اشاره دارد، تعامل بین فرد و جامعه را جهت می‌دهد (عصارى، ۱۳۹۶).

۶-۳- تعدادی از پیشینه‌های تحقیق مرتبط به موضوع

تعدادی از پیشینه‌های مرتبط با موضوع حق بر شهر در مقاله‌هایی که در کشور منتشر شده است به شرح زیر است:

جدول ۱- تعدادی از پیشینه‌های تحقیق مرتبط با موضوع حق بر شهر،

نویسنده/سال	عنوان مقاله	محل انتشار	روش تحقیق و نتیجه‌گیری
حبیبی و امیری، ۱۳۹۴	حق به شهر؛ شهر موجود و شهر مطلوب آنچه هست و آنچه باید باشد	نشریه پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران	روش پژوهش توصیفی است. مقاله خاستگاه فلسفی این مفهوم را از دیدگاه واضع آن، هنری لوفبور واکاوی میکند. او بر این باور است که انباشت سرمایه در جوامع سرمایه داری از طریق شهری شدن اتفاق معاصر، از طریق شهری شدن اتفاق می‌افتد و همزمان نظارت بر و مراقبت از شهر از شهروندان گرفته و منافع حاصل از شهری شدن به زمان نفع سرمایه (دولتی یا خصوصی) مصادره می‌شود.
رفیعیان و الوندی پور، ۱۳۹۵	مفهوم پردازی اندیشه حق به شهر؛ در جستجوی مدلی مفهومی	مجله جامعه‌شناسی ایران	روش پژوهش توصیفی - تحلیلی مبتنی بر روش شناسی کیفی است. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که مفهوم حق به شهر، شامل تعلق یافتن شهر به شهروندان و مشارکت آنان در امور شهری است از این رو مهمترین معقولات پیش روی این مفهوم در خلق فضای شهری با کیفیت شامل حکمرانی شهری، شمول اجتماعی تنوع فرهنگی در شهر و آزادی-های اجتماعی و حق دسترسی به خدمات شهری برای تمامی ساکنان شهر است.
یغفوری و کاشفی دوست، ۱۳۹۷	ارزیابی و سنجش مؤلفه‌های برآمده از حق به شهر (نمونه موردی: شهر پیرانشهر)	فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی شهری	روش تحقیق توصیفی- تحلیلی و جهت تحلیل یافته‌ها از آزمون T-test تک نمونه‌ای استفاده شده. محلات پانزده گانه شهر پیرانشهر از لحاظ تحقق حق به شهر رتبه شده‌اند. نتایج تحقیق نشان دهنده نارضایتی شهروندان در دو مؤلفه حکمروایی شهری و دسترسی فضایی میباشد ولی در شاخص‌های شمولیت اجتماعی و سرزندگی شهری تا حدودی رضایت شهروندان را به همراه داشته است.
پور محمدی، روستایی و خضر نژاد، ۱۳۹۸	بررسی نقش حق به شهر بر احساس تعلق در میان گروه‌های جنسیتی	پژوهش‌های جغرافیای برنامه ریزی شهری	پژوهش حاضر پیمایشی و ابزار سنجی در آن پرسشنامه‌ای مبتنی بر مقیاس لیکرت است. تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزارهای SPSS و AMOS صورت گرفته است. نتایج بخش تبیین و مدل سازی به منظور تاثیر مؤلفه‌های حق به شهر بر احساس تعلق در میان ساکنان ارومیه نشان دهنده الگوی رابطه معنا دار و مستقیم شاخص مستقل حق به شهر با متغیر وابسته تعلق شهری است. همچنین اختلاف معنا داری در احساس تعلق زنان و مردان وجود دارد؛ زیرا معنا داری اعداد (T-VALUE) از ۱.۹۶ بزرگتر است.
کازمی و تنگچی مهیاری، ۱۳۹۶	جهانی شدن و تاثیر آن بر حق به شهر	فصلنامه مدیریت شهری	پژوهش پیش رو به بررسی تاثیر پدیده جهانی شدن بر حق به شهر ساکنان شهر می‌پردازد. در مسیر پژوهش، ابتدا پدیده جهانی شدن و سپس حق به شهر بررسی می‌شود و سپس به بررسی تاثیر جهانی شدن بر حق به شهر پرداخته می‌شود.
جلالی و دیندار سنگجویی، ۱۳۹۴	حق به شهر حقی برای زیستن بهتر و یک ضرورت	اولین کنفرانس سالانه پژوهش‌های معماری، شهرسازی و مدیریت شهری	مقاله، با استفاده از روش مطالعه کتابخانه‌ای-اسنادی و شیوهی پژوهش توصیفی-تحلیلی، به معرفی و تحلیل نظریه حق به شهر، و چگونگی دستیابی به آن در فرآیند تولید و بازتولید فضا در شهر، به عنوان یکی از ضروریات حقوقی-زیستی شهروندان، پرداخته شده. و در نهایت برای آشنایی و بهره‌گیری از تجارب جهانی، به منشورها و قوانین مصوب حق به شهر، در سطوح جهانی و برخی کشورها اشاره گردیده است.

نتایج حاصل از پیمایش انجام شده در جمعیت نمونه ۱۶۸ نفری از زنان و مردان ساکن مناطق بیست و دو گانه شهر تهران نشان می دهد که نظریه حق به شهر لوفور در بستر شهروندی تهران کاربرد پذیرد. نتایج رگرسیون چند متغیره نشان داد که مفهوم تولید فضا که در نظریه لوفور نقش کلیدی دارد، تاثیر معنا داری بر ادراک از حق شهر در تهران ندارد که این میتواند ناشی از تفاوت های زمینه ای در ادراک از مفهوم حق یا تفاوت در معنای شهروندی در اجتماعات متفاوت باشد. نتیجه رگرسیون لجستیک نیز نشان داد که تفاوت های جنسیتی در بهره مندی از حق به شهر وجود دارد. این مطالعه نشان می دهد که مشارکت زنان در شهر و اختصاص یابی فضای شهری به زنان کمتر از مردان است و جنسیت در کنار طبقه، نقش کلیدی در اختصاص دهی فضا ها به اقشار اجتماع بازی می کند.	مجله جامعه شناسی ایران	جنسیت و حق به شهر: آزمون نظریه لوفور در تهران	رهبری و شارع پور، ۱۳۹۳
--	------------------------	---	------------------------

منبع: نگارندگان

و همچنین تعدادی از پیشینه های مرتبط با موضوع حقوق شهروندی در مقاله هایی که در کشور منتشر شده است به شرح زیر است:

جدول ۲- تعدادی از پیشینه های تحقیق مرتبط با موضوع حقوق شهروندی

نویسندگان / سال	عنوان مقاله	محل انتشار	روش تحقیق
شیانی و زارع، ۱۳۹۷	شهروندی شهری: حقوق و تکالیف شهروندان در شهر تهران	فصلنامه برنامه ریزی و رفاه توسعه اجتماعی	روش انجام این پژوهش پیمایش با استفاده از تکنیک پرسشنامه بوده و بدین منظور ۲۴۰۰ نفر از افراد ۱۵ سال به بالا مناطق مختلف شهر تهران با استفاده از شیوه نمونه گیری چند مرحله ای انتخاب شده اند. نتایج نشان می دهد که ۳۵ درصد مردم شهر تهران میزان برخورداری از حقوق شهروندی را در حد کم، و در مقابل ۱۹ درصد آن را حد زیاد بیان داشته اند همچنین زنان تهرانی بیش از مردان به رعایت تکالیف شهروندی، مجردان، کمتر از متأهلان، افراد بدون همسر و همچنین افراد ۱۵ الی ۲۴ ساله جامعه در مقایسه با سایر گروه های سنی کمتر به رعایت تکالیف شهروندی می پردازند.
مرادیان و رحیمی، ۱۳۹۷	درآمدی بر حقوق شهروندی؛ چستی، ضرورت، ابعاد، ویژه گی ها و رویکردها	مجله دستاورد های نوین در مطالعات علوم انسانی	در تحقیق حاضر، به لحاظ اهمیت حقوق شهروندی به مفاهیم، پیشینه، ضرورت، ابعاد، ویژگی ها و رویکردهای آن پرداخته شده است. و در ادامه نتیجه گیری در مورد حقوق شهروندی را مورد بررسی قرار می دهد.
منوچهری و جعفری، ۱۳۹۳	تاثیر جهانی شدن بر حقوق شهروندی در ایران	دوفصلنامه علمی پژوهشی پژوهش «سیاست نظری»	استدلال مقاله حاضر این است که جهانی شدن با «حقوق مردمی-مشارکتی» در ایران نسبت تضعیف کننده ای داشته است، ولی با حقوق سیاسی و اجتماعی در عین حال نسبت تقویت کننده و تضعیف کننده داشته است.
پور طهماسبی و تاجور، ۱۳۹۰	حقوق و تربیت شهروندی در نهج البلاغه	پژوهش نامه علوی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی	در این مقاله با ارائه تعریفی از شهروندی و وضعیت آن، و نیز نظر قرآن در این باره، حقوق شهروندی از دیدگاه نهج البلاغه علی و حضرت (ع) در سه حوزه شناختی، عاطفی، و رفتاری بررسی می شود و در آخر نشان داده می شود که شهروندی در جهان معاصر از معنای حقیقی خود دور شده است و مطابقت نظریات حضرت علی (ع) با قوانین روز جهانی این دور شدن شهروندی از معنای واقعی اش را بیش تر مشخص می سازد.

منبع: نگارندگان

۷. مبانی نظری تحقیق

۷-۱- مفهوم حق به شهر

مفهوم شهروندی را می توان از حیث دیرینگی به یونان باستان نسبت داد. این مفهوم به کسانی که به دلیل سکونت در دولت شهر دارای حقوق سیاسی بودن، اطلاق می گردید. البته، هر چند دولت شهر واحد سیاسی مستقل بود که شهروندان در کنار بردگان و غیر شهروندان زندگی می کردند، اما صرف سکونت افراد در شهر، آنها را از حقوق شهروندی که در واقع، حق مشارکت در اداره عمومی و دخالت در حوزه سیاسی عمومی بود، برخوردار نمی نمود. حق بهره مندی از این امتیاز، به کسب برخی فضایل خاص در انسانها بر می گشت و کسانی که در کسب و تحصیل فضایل موفق نبوده و دارای فضیلت سیاسی نمی شدند، از این حق محروم بودند. اولین فیلسوف و متفکری که به مفهوم شهروندی در تئوریهای سیاسی پرداخت، که در آن الگوی ابرشهر (مدینه فاضله) را تشریح کرد، افلاطون بود.

افلاطون در کتاب جمهوری نشان داد، شهروندان را یکی از محورهای اصلی تأسیس دولت و حکومت مطلوب قرار می دهد. در دوران کنونی، حمایت از حقوق شهروندی در پی روند جهانی شدن حقوق بشر بود. این دوره، با حمایت از اقلیت ها و گروه های خاص شروع شد و به تدوین برخی اسناد بین المللی درباره برخی اقشار (همچون کارگران) و برخی اقلیت های دینی و ملی انجامید. در آخرین مرحله این حمایت ها، تأکید بر جامعیت اسناد بین المللی در حمایت از حقوق بشر و شهروندی است که در آن اعلامیه ها، اسناد و معاهداتی امضا شد و ملل و دول آن را تصویب کردند (مرادیان و رحیمی، ۱۳۹۷: ۳۸). حق به شهر از مفاهیم جنجالی مطرح شده در دهه ۱۹۷۰ میلادی توسط فیلسوف فرانسوی، هنری لوفور است این مفهوم در چند دهه گذشته توجه بسیاری از نظریه پردازان شهری را در جهان به خود جلب کرده و در عرصه عمل منجر به شکل گیری جنبش های اجتماعی متعدد و صدور منشورهای قانونی شده است. لوفور شهر را به عنوان یک ساختار اجتماعی میدانست و اعتقاد داشت که تمام شهروندان نسبت به شهر دارای حق میباشند (الوندی پور و رفیعیان، ۱۳۹۵: ۲۵).

لوفور حق به شهر را درخواستی برای دسترسی تحول یافته به زندگی شهری میدانند (رهبری و شارع پور، ۱۳۹۳: ۱۱۹ برگرفته از: کافمن و لباس ۱۹۹۶: ۱۵۸). حق به شهر حقی بشری است که شامل تخصیص شهر به شهروندان و مشارکت آنان در امور شهری است. قرار گرفتن این حق در چارچوب حقوق بشر به جای حقوق مدنی

به این معناست که هر انسانی صرف نظر از جنسیت، ملیت، قومیت و ویژگی های فرهنگی، تنها به دلیل انسان بودن شایسته بهره مندی از حق است (پور محمدی، روستایی و دیگران، ۱۳۹۸: ۵).

۷-۱-۱- دیدگاه اندیشمندان

۷-۱-۱-۱- لوفور و حق به شهر

«هانری لوفور» یک متفکر فرانسوی بود که حرفه وی روی بیشتر قرن بیستم است. کار او طیف وسیعی دارد، از فلسفه رادیکال تا جامعه شناسی روستایی تا مطالعات شهری تا تئوری دولت. اگرچه تفکر وی از طریق تعهد راسخ به پروژه تصویرسازی و دست یابی تغییر انقابی در جامعه انسانی متمرکز می شود. از طریق الهام از مارکس، هگل، نیچه^۱ و هایدگر^۲، پروژه فکری و سیاسی لوفور برای پیشنهاد نقد جامعه موجود به منظور باز کردن راهی به سمت جامعه ای دیگر، جهانی ممکن فراتر از سرمایه داری، دولت و جامعه مصرفی بود. این امر بسیار منصفانه است که این جامعه جدید را سوسیالیست بخوانیم، جامعه ای که از بسیاری از جنبه ها از چیزی که توسط مارکس و انگلس^۳ در مانیفست کمونیست استناد شده است، الهام گرفته است. اما مانند دیگر متفکران رادیکال در فرانسه در دهه های ۱۹۷۰ و ۱۹۶۰، لوفور عمیقاً از سوسیالیسم دولتی توتالیتر که در اتحاد جماهیر شوروی، اروپای شرقی و چین به وجود آمد انتقاد می کرد. بسیاری از هم نسان او نظیر «کورنلیوس کاستوریادیس»، «گی دبور»، «ژیل دلوز»، «فلیکس گتاری» و «میشل فوکو» همگی از استالینسم چه در اتحاد جماهیر شوروی و چه در حزب کمونیست وقت فرانسه وحشت زده شده بودند. در نتیجه کار تمام این متفکران علاوه بر واکنش در برابر سرمایه داری و انکشی در برابر دولت و سلطه بروکراتیک است. بنابراین روشن شدن این موضوع که لوفور چه فهمی از سوسیالیسم داشت بسیار مهم است. ابتدا این فهم سوسیالیسمی بروکراتیک نبود که دولت در آن توسط حزب کارگر فتح شود و به آن تسلط یابد، بلکه همان طور که خواهیم دید، سوسیالیسم وی بر زوال دولت و جامعه خودحاکم جمعی پافشاری دارد.

علاوه بر این، این سوسیالیسم جامعه ای ایده آل و معین نیست. این جامعه به درستی یک پروژه باز است، پروژه ای که ما را در یک جهت حرکت می دهد، به سمت افقی فراتر از سرمایه داری و جامعه دولتی بروکراتیک کنونی سوق می دهد اما خروجی های شناخته شود. دقیق آن نمی تواند کاما همان طور که این فهم از سوسیالیسم نشان می دهد، اگرچه لوفور بسیار مارکسیست بود اما به هیچ وجه مارکسیستی ارتودوکس نبود. یکی از تجلی های دگراندیشی وی در قرابت او به مارکس جوان است، مخصوصاً «درباره مسأله یهود»، «نقد فلسفه حق هگل» و دست نوشته های ۱۸۴۴. در مقایسه با کارهای متأخر مارکس، مخصوصاً سرمایه، در این کارهای متقدم او توجه کمتری به نقد سرمایه داری داشت و بیشتر به کشف آن چه که مردم لایق آن هستند اگر آن ها از سلطه بورژوازی در هر شکل آن آزاد می شدند می پرداخت. خصوصاً لوفور در این جا از نقد مارکس از دولت که نقدی است که در راستای دولت و انقاب لنین است الهام می گیرد و اساس استدلال لوفور علیه دولت را شکل میدهد (کاملی و تفنگچی مهباری، ۱۳۹۵: ۶۶ برگرفته از: Lefebvre, 2009).

۷-۱-۲- حق به شهر و سازمان های حقوق بشری

منشور های حق به حضور در شهر به شکل های گوناگون در سطوح متفاوت ملی - منطقه ای - شهری نمود پیدا کرده اند. از مهم ترین کوشش ها در جهت کاربست مفهوم حق به شهر در سطوح جهانی و منطقه ای، میتوان به منشور جهانی حق به شهر اشاره کرد که از سوی سازمان های حقوق بشری محقق شد. این منشور ادغان دارد که حق به شهر باید به عنوان حقوق بشر محسوب شود تا دولت ها نسبت به شهروندان خود به این حق احترام بگذارند و آن را تضمین کنند. بر این اساس منشور هایی ظهور یافتند که حقوق جدیدی را برای دولت ها به منظور اضافه کردن به بند های قانونی خود پیشنهاد می دهند (رفیعیان و الوندی پور، ۱۳۹۵: ۳۲).

۷-۱-۳- مولفه های حق به شهر

در اینجا به بررسی مولفه های حق به شهر و تعریف مختصری از آن می پردازیم چرا که شناسایی مولفه های «حق به شهر» به کیفی سازی مباحث شهرسازی کمک میکند:

جدول ۳- مولفه های حق به شهر و توضیحات،

مفاهیم مرتبط	مولفه های حق بر شهر
بر نظریه اکثر صاحب نظران، حکمروایی خوب شهری یعنی اثرگذاری همه ارکان تأثیرگذار شهری بر مدیریت شهر، با تمام سازوکارهایی که به سوی تعالی شهر و شهروندان حرکت کنند. نه اینکه عرصه های عمومی و خصوصی کنار گذاشته شود و فقط عرصه حکومتی اختیاردار آن دو باشد (یغفوری و کاشفی دوست، ۱۳۹۷: ۶۲ برگرفته از: شهیدی، ۱۳۸۶: ۴۲).	حکمروایی شهری
قابلیت مکان برای تامین تنوعی از فعالیت ها و استفاده کننده ها (با پیش زمینه های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) با هدف تنوع تجربیات و تعاملات اجتماعی به گونه ای که امنیت، برابری و راحتی برای همه برای همه استفاده کنندگان فراهم آورد.	سرزندگی شهری
به معنی دسترسی فضایی شهروندان به خدمات شهری در سه بخش مسکن، تفریح و خدمات است.	دسترسی فضایی
بیانگر سه گروه از ساکنان شهر با بیشترین تبعیض در اکثر شهر های جهان است (قشر کارگر، زنان و مهاجران).	شمولیت اجتماعی

منبع: نگارندگان

^۱Marx
^۲Hegel
^۳Nietzsche
^۴Heidegger
^۵Engels
^۶Cornelius Castoriadis
^۷Guy Debord
^۸Gilles Deleuze
^۹Felix Guattari
^{۱۰}Michel Foucault
^{۱۱}Marxism Orthodox

این حق پیش از آنکه فردی باشد، مفهومی عمومی است که مستلزم تغییراتی است که این تغییرات نیز نیازمند یک قدرت جمعی برای شکل دهی مجدد به فرایند های شهری هستند. مفهوم حق به شهر مستلزم و منوط به آزادی تک انسان ها در شهر و بازسازی آن است. مفاهیمی که در عصر حاضر بیش از هر زمان دیگر مورد بی اعتنائی قرار گرفته اند (یعفوری و کاشفی دوست، ۱۳۹۷: ۶۰ برگرفته از: Harvey, 2008: 22)

۴-۱-۷- یافته ها؛ قاعده سازی مفهوم حق به شهر

جدولی مبنی بر مهمترین گذاره های مبنایی و استخراج شده از تحلیل اسنادی جریان نظری مفهوم حق به شهر

جدول ۴- برخی از مهمترین گذاره های مبنایی و استخراج شده از تحلیل اسنادی جریان نظری مفهوم حق به شهر (ایده)

گذاره های عقلانی و منطقی استخراج شده	
✓	افرادی که در یک شهر زندگی می کنند نسبت به آن حق دارند. حق به شهر برای تمام افراد وجود دارد چه شهروند رسمی و چه غریبه.
✓	حق به شهر، به معنای بیان، مطالبه و تجدید حقوق گروهی است که باید حقوقشان در طی تخصیص و ایجاد فضا در شهر لحاظ شود.
✓	حق کاربران فضای شهری برای اعلام نظراتشان درباره فضا و زمان فعالیت هایشان در فضا های شهری است.
✓	حق به شهر متضمن حق مطالبه حضور در شهر برای به چنگ آوردن کاربری شهر از اربابان جدید ممتاز و دموکراتیزه کردن فضا است.
✓	جهت گیری اصلاح حق به شهر، به سمت تصمیماتی است که فضای شهری را تولید میکند و بنابراین شهروندان بر تولید فضای شهری نظارت میابند.
✓	مقصود از فضا، تنها فضای فیزیکی و ملموس نیست، بلکه تولید فضای شهری چیزی فراتر از شکل دادن ساختار های فضایی مادی شهر، متضمن ایجاد ریتم زندگی روزانه و تولید و بازتولید روابط اجتماعی است که آن را تنظیم میکند.

منبع: رفیعیان و الوندی پور، ۱۳۹۴: ۳۵ و ۳۶

۲-۷- حقوق شهروندی

۱-۲-۷- شهروند و تفاوت آن با شهروند

شهروندینی و شهروند دو مفهوم متفاوتند. هر کس در شهر زندگی می کند، خود به خود شهروند نیست. شهروندی یک مفهوم حقوقی-جامعه شناختی و مرتبه ای فراتر از شهروندینی است به گونه ای که ممکن است در جامعه ای همه روستا نشینان «شهروند» باشند و در جامعه دیگری هیچ یک از شهروندینان شهروند نباشند. تفاوت شهروند و شهروندینی در مسئولیت شهروندی است.

در جامعه مدنی، شهروندان دریافته اند که بی مسئولیتی انسان های پیرامونی، آنها را در مسیر پرنوسانی قرار می دهد و چنانچه خود نیز نسبت به پدیده های پیرامونی بی مسئولیت باشد، محیط زندگی خود و دیگران را دچار آسیب می کند، زیباترین احساس خوشایند در مقوله شهروندی، تلاش برای همکاری، تعاون و بار مسئولیت خود و دیگران را به دوش کشیدن است.

اجتماع انسانی شرط لازم شهروندی محسوب می شود، ولی شرط کافی نیست. افراد زمانی لقب شهروند به خود می گیرند که حقوق و تکالیف (مسئولیت های) خود را بشناسند و به آن عمل کنند. مفهوم شهروند به خودی خود و به صرف جمع شدن و تجمع افراد در کنار یکدیگر حاصل نمی شود بلکه این مفهوم در چارچوب و قلمروی جامعه مدنی شکل می گیرد.

پس شهروندی نه تنها به معنای سکونت در یک شهر به مدت مشخص که به معنای مجموعه ای از آگاهی های حقوقی، فردی و اجتماعی است. زندگی شهری یک زندگی جمعی است و برای موفقیت در این نوع زندگی بایستی فردگرایی و منفعت طلبی تا حدودی مهار شده و اخلاق جمعی رواج یابد. قرار دادن مفهوم شهروند در برابر شهروندینی، معنای آن را روشن تر می کند. وقتی فردی نه شهروند بلکه شهروندینی است، عضوی از اجتماع بزرگ است که در آزادی مطلق به سر برده و حقوق و تکالیف چندان اهمیتی ندارد و مقید به هیچ اصول اخلاقی، قانونی و اجتماعی نیست. البته برای شهروندینی هم، قانون هست ولی به غیر از نیروی قهری و زور، ضمانت دیگری برای اجرای قانون نیست. اما «شهروند» فردی است دارای حق و تکلیف که در مقابل هر آنچه در دنیای اطراف آن می گذرد احساس مسئولیت می کند. مهم ترین ویژگی شهروند، آگاهی از قوانین و مقررات زندگی اجتماعی و تبعیت داوطلبانه از آنهاست. بر عکس شهروندینی، آزادی و حق او بی نهایت نیست بلکه مرز آزادی او تا مرز آزادی هموطنان است و او تا جایی آزادی دارد که آزادی دیگران را به هم نزند. در دنیای پیچیده کنونی نمی توان قوانین و مقررات را به زور اجرا کرد و مردم را با قوه قهریه مجبور به رعایت اصول زندگی اجتماعی کرد از طرف دیگر برای همه تعاملات انسان با هموعان خود، قانون نوشته نمی شود و فراتر از قوانین، اصول اخلاقی قرار دارند که با رعایت آنها، زندگی اجتماعی مطلوب فراهم می شود. شهروند قانون را نه به خاطر جریمه نشدن، بلکه به این خاطر رعایت می کند که ایمان دارد با زیر پا گذاشتن آنها، زندگی در مفهوم اجتماعی آن ناممکن خواهد بود و برای همه موارد، دنبال قانون نیست بلکه تفکر مبتنی بر زندگی اجتماعی او منشأ رفتارهای یک شهروند است (منبع اینترنتی ۱).

۲-۲-۷- تعاریف علم حقوق

حقوق علمی است که درباره روابط افراد یک جامعه با یکدیگر و با دولت و نهادهای دولتی آن کشور و نیز افراد یک کشور با افراد کشورهای دیگر و همچنین روابط کشورها و دولت های مختلف با یکدیگر و یا مجامع و مراجع بین المللی بحث میکند (حسینی ۱۳۹۲: ۲۲ برگرفته از: هاشمی ۱۳۷۱: ۳). از نظر کانت فیلسوف مشهور آلمانی، حقوق عبارت از مجموع شرایطی است که در نتیجه آن اختیار هر کس با اختیار دیگران جمع می شود (حسینی ۱۳۹۲: ۲۲ برگرفته از: هاشمی ۱۳۷۱: ۳۶).

۳-۲-۷- تعریف حقوق شهری و خصایص آن

حقوق شهری عبارت از مجموعه قوانین و مقررات ناظر بر اجرای نظامات شهری جهت تامین نیازمندی های مشترک محلی از طریق ایجاد و اداره کردن موسسات عمومی است. بنابر تعریف بالا، خصایص حقوق شهری عبارت است از:

- ۱- جزء حقوق عمومی است. یعنی موضوع آن تنظیم روابط حقوقی اجتماعی با افراد است و یا حقوق خصوصی تفاوت دارد.
- ۲- از شعبات حقوق ملی یا داخلی است و از حقوق بین دولت ها یا حقوق بین المللی متمایز است (مثل قانون شهرداری ها).
- ۳- رده حقوقی موضوعه است. یعنی مجموعه ای از قواعد زندگی جامعه است که بوسیله قدرت عمومی صالح، در جهت خیر عمومی وضع شده و لازم الاجرا است. پس از حقوق طبیعی اخلاق باز شناخته می شود.

۴- علم حقوقی است. لذا به ارائه قوانین حاکم موجود پرداخته و قصد دارد بگوید چه چیزی وجود دارد (حسینی، ۱۳۹۲: ۲۴).

۷-۲-۴- حقوق شهروندی و مفهوم آن

اصطلاح حقوق شهروندی (در مفهوم جدید) اولین بار در اعلامیه حقوق بشر و شهروندی سال ۱۷۸۹ م فرانسه مطرح شد که پس از تصویب در صدر قانون اساسی سپتامبر ۱۷۹۱ م گرفت. اعلامیه جهانی حقوق بشر که در سال ۱۹۴۸ م در مجمع عمومی ملل متحد به امضاء کشورها رسید در بسیاری از مواد خود از محتوای اعلامیه حقوق بشر و شهروندی فرانسه الهام گرفته است (محسنی، ۱۳۹۸: ۱۱۸ برگرفته از: آفنداک، ۱۳۸۵). شهروندی، حقوقی دارد که ذاتاً به عنوان انسان به او تعلق می‌گیرد، البته درباره منشأ این حقوق، برخی آن را الهی و برخی آن را عقلانی می‌دانند. متقابلاً مسئولیت‌هایی هم برای او لحاظ شده است و حتی بعضاً مقولاتی چون مشارکت، از «مسئولیت» به «حق» مبدل شد. بنابراین از سویی حقوقی به شهروندی تعلق می‌گیرد و از دیگر سو، با توجه به اینکه در یک حیات مشترک و به عنوان عضوی از یک مجموعه که زیست مشترک دارند و برای تأمین آنچه خیر و مصلحت عمومی است، روابطی با دیگران و نهادها برقرار می‌کند، مسئولیت‌هایی را هم باید داشته باشد (منوچهری و جعفری، ۱۳۹۳: ۱۴۱).

۷-۲-۵- ویژگی‌های حقوق شهروندی

حقوق شهروندی جدید، دارای دو ویژگی بارز است که آن را از سایر مفاهیم حقوق جدا می‌سازد:

جدول ۵- دو ویژگی بارز حقوق شهروندی جدید (محسنی، ۱۳۸۹: ۱۲۳ و ۱۲۴ برگرفته از: کانت، ۱۳۸۰: ۱۷۰)

ویژگی‌های حقوق شهروندی	مفاهیم مرتبط
ویژگی اول	حقوق شهروندی مدرن جدای از حقوق بشر به شمار می‌آید. این استقلال بدین مفهوم است که باید با نگاهی خاص این علم را تعریف نمود. اگر حقوق شهروندی مدرن از حقوق بشر جداست، پس مفاهیم، اهداف و بنیان‌های آن نیز باید جداگانه بررسی شود و کارکردهای آن نیز در این حالت متفاوت خواهد بود. ارتباط این رشته با حقوق بشر و مفاهیم اجتماعی و فرهنگی مربوط به شهروندی، لزوماً به معنی عدم استقلال آن نخواهد بود چرا که تقریباً تمام رشته‌های علوم انسانی با هم در ارتباط اند.
ویژگی دوم	حقوق شهروندی مدرن، بر روابط شهروندی با هم دیگر و رابطه ایشان با ارگان‌های دولتی دلالت دارد و از این لحاظ باید آن را تفسیر خاصی از «حقوق شهروندی» به مفهوم عام شمار آورد.

منبع: نگارندگان

کانت، صفات زیر را ذاتی و تفکیک‌ناپذیر یک شهروندی، محسوب می‌نماید:

جدول ۶- صفات جدا نشدنی یک شهروندی از نظر کانت (محسنی، ۱۳۸۹: ۱۲۴ برگرفته از: کانت، ۱۳۸۰: ۱۷۰)

صفات شهروندی	توضیحات مفهوم
(۱) اختیار قانونی	شهروندی از هیچ قانونی اطاعت نمی‌کند، مگر قانونی که خود با آن موافقت کرده است.
(۲) تساوی مدنی	به معنی اینکه، شهروندی با دیگران در وضعیت مساوی قرار دارد و هر تجدیدی نسبت به حقوق او همانند دیگران است و هیچ تبعیضی روا داشته نمی‌شود.
(۳) استقلال مدنی	هستی و بقای شهروندی در یک جامعه ناشی از گزینش افراد دیگر نیست، بلکه نتیجه حقوق و استعدادهای خاص خود او به عنوان عضو جامعه مشترک المنافع است.

منبع: نگارندگان

۶-۲-۷- حقوق شهروندی در ایران

ایران باستان را پایه گذار حقوق شهروندی در جهان دانسته‌اند. منشور صادرشده از سوی کوروش، پادشاه هخامنشی، بسیاری مبانی و مبادی اولیه حقوق بشر و شهروندی را مورد تأکید قرار داده است. منع برده داری و به اسارت گرفتن آزادگان، رعایت حقوق کارگران و شرایط مناسب کار، منع نسل‌کشی، تساوی افراد در برابر قانون و مانند آن، در اسناد به دست آمده (در حمله به بابل) قابل مشاهده است و حتی برخی بر آنند که این منشور، همان نوشته‌ای است که اعلامیه حقوق بشر خوانده اند. یکی از مشهورترین اسناد مربوط به حقوق شهروندی در دوران معاصر، فرمانی است که در زمان ناصرالدین شاه و توسط امیرکبیر صادر شد که در آن بر رعایت حقوق مردم توسط حاکمان و نمایندگان آنها تأکید شده است. با پیروزی انقلاب اسلامی، تأکید بر اجرای قوانین شرع، منع شکنجه، تشکیل دادگاه‌های عدل و روند منصفانه دادرسی‌ها، از اقدامات اولیه در اصلاح و تأسیس نهادهای قضایی و جزایی در ایران بوده است (مرادیان و رحیمی، ۱۳۹۷: ۳۹).

۷-۲-۷- چارچوب شهروندی قانون اساسی

از نظر اسلام، خداوند منشاء حق است و حقوق عبارت است از مجموعه قوانین و مقررات اجتماعی که از سوی خداوند، برای برقراری نظم و قسط و عدل در جامعه بشری تدوین می‌گردد تا سعادت جامعه را تأمین کند (حسینی ۱۳۹۲: ۲۱ برگرفته از: امامی ۱۳۶۸: ۲). برای امام علی (ع) چهار چوب قانون اساسی، قانون خداوندی و اسلام است. از نظر ایشان همه حق و حقوق در جهان از آن خداوند است و مهم‌ترین مبانی این چهارچوب که خداوند تعیین کرده عدالت، آزادی، تقوا، اخلاق، عزت، حرمت انسان‌ها، نیکوکاری و امانت است داری است (پور طهماسبی و تاجور، ۱۳۹۰: ۱۱).

۷-۲-۸- بررسی حقوق شهروندی از دیدگاه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

قانون اساسی انتظام بخش کلیه امور هر کشور و تعیین‌کننده روابط زمامداران و فرمانبرداران یک جامعه سیاسی است. التزام عملی بر اجرای این قانون مهم، ابواب و منافذ استبداد را مسدود، آزادی و حرمت افراد را تضمین و موجبات تلاش برای نیل به عدالت سیاسی و اجتماعی را فراهم می‌کند (طاهری، ۱۳۹۵: ۵ برگرفته از: هاشمی، ۱۳۸۴: ۱۸۲). این قانون مجموعه‌ای از قواعد است که روابط حکومت را با مردم و میزان اقتدار و وظایف قوای سه‌گانه و همچنین حدود حقوق و آزادی‌های مردم تبیین می‌کند. در حقوق داخلی هر کشور قانون اساسی در راس هرم نظام حقوقی به عنوان مهمترین سند مورد توجه می‌باشد، از این رو بررسی آن در خصوص حقوق شهروندی نیز می‌تواند نتایج مفیدی در بر داشته باشد (طاهری، ۱۳۹۵: ۵).

۷-۲-۹-دسته بندی حقوق شهروندی در قانون اساسی ایران

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، کلمه ی شهروند به کار نرفته است، اما این امر دلیل بر آن نیست که قانون اساسی به حقوق شهروندان بی اعتنا بوده است. این قانون با تکیه بر جهان بینی و ایدیولوژی الهی با شناخت ابعاد وجودی انسان، حقوقی را برای فرد شمرده است و حد و مرز اعمال آزادی ها و نقطه تعامل بین حقوق ملت و دولت را ترسیم کرده است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران پس از تشریح اصول کلی، در یک باب جداگانه در فصل سوم به حقوق ملت پرداخته است و مهمترین حقوق شهروندی که البته بیان جزئیات آن با قانون عادی است را مورد اشاره قرار داده است. مهمترین حقوق شهروندی که قانون گزار اساسی ایران برشمرده را می توان در یک دسته بندی به صورت ذیل مورد بررسی قرار داد:

جدول ۷- حقوق شهروندی در قانون اساسی ایران (طاهری ۱۳۹۵، ۶۵)

اصول حقوق شهروندی	توضیحی مختصر	مورد اشاره در قانون اساسی ایران
۱-حقوق مدنی	حقوق مدنی نخستین حقی است که در جامعه به وجود آمده است و روابط اشخاص را تنها از این جهت که عضو جامعه هستند تنظیم میکند.	در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران موارد متعددی از آن ها نهادینه شده است که از جمله میتوان به: حق امنیت و مصونیت از تعرض حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل (اصل ۲۲)، حیثیت انسانی مساوی و برابر در مقابل قانون (در بند ۱۴ اصل ۳ و اصل ۱۹ و ۲۰)، حفظ آزادی های فردی (اصل ۲۳) و آزادی در بیان (اصل ۲۴)، اشاره کرد.
۲-حقوق سیاسی	بخش مهمی از حقوق شهروندی در دولت مدرن مربوط به آزادی های سیاسی است. آزادی های سیاسی در جهان امروزی اشکال متنوعی یافته است و قوانین عادی، حدود آن را مشخص نموده است. این حقوق امکان مشارکت فعالانه مردم را در فرآیندهای آزاد حکومت فراهم میکند.	قانون اساسی ایران در اصول برخی از مهمترین آزادی های سیاسی را یادآور شده است؛ که از جمله میتوان به: محو هرگونه استبداد و خودکامگی و انحصار طلبی (بند ۶ از اصل ۳)، تامین آزادی های سیاسی و اجتماعی و اهتمام دولت در به کار بردن همه ی امکانات جهت مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی خویش (بند ۷ و ۸ اصل ۳)، اتکا امور کشور به آرای عمومی مردم (اصل ۶) و همچنین آزادی تشکیل اجتماعات و راهپیمایی ها (اصل ۲۷)، اشاره کنیم.
۳-حقوق اقتصادی-اجتماعی:	این حقوق همگام با حقوق مدنی و سیاسی به عنوان جز لاینفک اسناد و اعلامیه های حقوقی و قوانین اساسی کشورها مورد شناسایی واقع شده است. حقوق اقتصادی عبارت از حقوقی است که امکانات رفاهی حمایتی از فرد و خانواده ها را به منظور ایجاد تعادل در زندگی شهروندان فراهم می آورد. حقوق اجتماعی نیز شامل فراهم آوردن شرایط مساوی بهرمندی از امکانات، مسکن و سلامتی برای همه اعضای جامعه می باشد. بر این اساس این امید خواهد بود که همگان از حداقل امنیت و امکان برابری فردی، در روند رشد اقتصادی، بهرمنند شوند (طاهری، ۱۳۹۵: ۵ برگرفته از: عاملی، ۱۳۸۰: ۱۷۳).	این دسته از حقوق نیز از نگاه تدوین کنندگان قانون اساسی مورد غفلت واقع نشده است و از جمله آن ها میتوان به: حق اشتغال و برابری در فرصت های شغلی (اصل ۲۸)، برخورداری از تامین اجتماعی و خدمات درمانی (اصل ۲۹)، حق دارا بودن مسکن متناسب (اصل ۳۱) و حق مالکیت (اصل ۴۶ و ۴۷) اشاره کرد.
۴-حقوق فرهنگی	فرهنگ به مجموعه ساخته ها و اندوخته های معنوی و مادی جامعه انسانی که نسلی به نسل دیگر منتقل شده، گفته میشود. فرهنگ هر جامعه هویت و موجودیت آن جامعه را تشکیل میدهد و به عنوان یک میراث اجتماعی شناخته می شود.	از جمله حقوق فرهنگی مورد توجه در قانون اساسی ایران میتوان به: حق آموزش و پرورش رایگان (بند ۳ از اصل ۳ و اصل ۳۰)، تدریس و استفاده از زبان های محلی و قومی (اصل ۱۵) و منع تفتیش عقاید (اصل ۲۳) اشاره کرد.
۵-حقوق قضایی	در اصطلاح به حقوقی که در خلال رسیدگی های قضایی، امنیت شهروندان را تامین کرده و جلوی نقض حقوق شهروندان را میگیرد، گفته میشود. لازم به ذکر است قانون اساسی ایران در خصوص حقوق قضایی به صورت مفصل بحث کرده و در آن سعی شده که تمام جنبه های آن نهادینه گردد.	از جمله حقوق قضایی که برای شهروندان در قانون اساسی در نظر گرفته شده است می توان به: اصل قانونی بودن جرایم و مجازات ها (اصل ۳۶)، حق انتخاب وکیل (اصل ۳۵)، امنیت قضایی (اصل ۳۲ و بند ۱۴ اصل ۳)، حق دادخواهی (اصل ۳۴)، منع شکنجه برای اقرار یا کسب اطلاعات (اصل ۳۸)، ممنوعیت تبعید (اصل ۳۳)، ممنوعیت دستگیری بر خلاف قانون و الزام به تفهیم اتهام (اصل ۳۲)، رسیدگی علنی و بدون تبعیض (اصل ۱۶۵)، رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی در حضور هیات منصفه (اصل ۱۶۸) و حق جبران خسارت ناشی از اشتباهات قاضی (اصل ۱۷۱) اشاره کرد.

تهیه جدول: نگارندگان

۷-۲-۱۰-نگاهی به منشور حقوق شهروندی در دولت یازدهم و دوازدهم

حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست و هم او، انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است. هیچکس نمیتواند این حق الهی را از انسان سلب کند یا در خدمت منافع فرد یا گروهی خاص قرار دهد. ملت ایران این حق را از طریق اصول قانون اساسی اعمال کرده؛ و به موجب اصول ۱۱۳ و ۱۲۱، مسئولیت اجرا و پاسداری از قانون اساسی را بر عهده رئیس جمهور نهاده است. رئیس جمهور که در پیشگاه قرآن کریم و در برابر ملت ایران بر پستیانی از حق، گسترش عدالت و حمایت از آزادی و کرامت انسانی افراد و حقوق ملت در قانون اساسی به خداوند سوگند یاد کرده را به مثابه برنامه و خط مشی دولت برای رعایت و پیشبرد حقوق اساسی ملت ایران «منشور حقوق شهروندی»، است اعلام میکند. این منشور با هدف استیفا و ارتقای حقوق شهروندی و به منظور تدوین برنامه و خط مشی دولت، موضوع اصل ۱۳۴ قانون اساسی، تنظیم شده و شامل مجموعه های از حقوق شهروندی است که یا در منابع نظام حقوقی ایران شناسایی شده اند و یا دولت برای شناسایی، ایجاد، تحقق و اجرای آنها از طریق اصلاح و توسعه نظام حقوقی و تدوین و پیگیری تصویب لوایح قانونی یا هرگونه تدبیر یا اقدام قانونی لازم تلاش جدی و

فراگیر خود را معمول خواهد داشت. برای دستیابی به این هدف همکاری سایر قوا و نهادها و مشارکت مردم، تشکل‌ها، اتحادیه‌های صنفی، سازمانهای مردم نهاد و بخش خصوصی ضروری است.

مواد مختلف این منشور باید در هماهنگی و سازگاری با یکدیگر و در چارچوب نظام حقوقی موجود تفسیر و اجرا شود و نباید موجب کاهش حقوق شهروندان ایرانی و حقوق اتباع سایر کشورها که در قوانین و یا تعهدات بین‌المللی کشور شناسایی شده است، گردد. شرح حقوق شهروندی که در منشور حقوق شهروندی دولت حسن روحانی آمده است شامل مواد زیر است: حق حیات و سلامت و کیفیت زندگی، حق کرامت و برابری انسانی، حق آزادی و امنیت شهروندی، حق مشارکت در تعیین سرنوشت، حق اداره شایسته و حسن تدبیر، حق آزادی اندیشه و بیان، حق دسترسی به اطلاعات، حق دسترسی به فضای مجازی، حق حریم خصوصی، حق تشکل و تجمع و راهپیمایی حق تابعیت و اقامت و آزادی رفت و آمد، حق تشکیک و برخورداری از خانواده، حق برخورداری از دادخواهی عادلانه، حق اقتصاد شفاف و رقابتی، حق مسکن، حق مالکیت، حق اشتغال و کار شایسته، حق رفاه و تأمین اجتماعی، حق دسترسی و مشارکت فرهنگی، حق آموزش و پژوهش، حق محیط زیست سالم و توسعه پایدار، حق صلح و امنیت و اقتدار ملی تمامی این حقوق روی هم رفته شامل ۱۲۰ ماده میباشند (منشور حقوق شهروندی، ۱۳۹۵).

۷-۲-۱۱- سازوکار اجرا و نظارت بر حسن اجرای حقوق شهروندی

۱. رئیس‌جمهور برای نظارت، هماهنگی و پیگیری اجرای مناسب تعهدات دولت در این منشور، دستیار ویژه‌ای را تعیین مینماید. پیشنهاد برنامه و خط مشی مربوط به اجرای کامل منشور حقوق شهروندی از جمله مسئولیت‌های دستیار ویژه است.
۲. دستگاه‌های اجرایی تابع قوه مجریه موظف‌اند با هماهنگی دستیار ویژه در حدود صلاحیت‌های قانونی خود، با جلب مشارکت مردم، تشکل‌ها، سازمانهای مردم نهاد و بخش خصوصی، ضمن جمع‌بندی و مدون‌سازی حقوق و آزادیهای مندرج در قانون اساسی و قوانین عادی، در حوزه مسئولیتها و اختیارات خود و شناسایی موارد نقض حقوق شهروندی، تدابیر و اقدامات قانونی لازم را برای تحقق این حقوق به ویژه از طریق تدوین و اجرای برنامه اصلاح و توسعه نظام حقوقی، آموزش، اطلاع‌رسانی و ظرفیت‌سازی و تقویت مفاهیم، گفتگو و تعامل در حوزه عمومی انجام دهند.
۳. دستگاه‌های تابع قوه مجریه موظف‌اند برنامه اصلاح و توسعه نظام حقوقی مربوط به خود را ظرف مدت شش ماه از انتشار این منشور تهیه و در اختیار دستیار ویژه ریاست جمهوری قرار دهند و هر سال گزارش ادواری پیشرفت‌ها، چالش‌ها، موانع و راه‌حل‌های پیشنهادی برای ارتقاء و اجرای حقوق شهروندی را در حوزه مسئولیت خود ارائه و از طریق اصلاحات نهادی و ساختاری، برای تحقق حقوق شهروندی مندرج در این منشور اقدام کنند.
۴. وزارتخانه‌های آموزش و پرورش، علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی برای آشنایی هرچه بیشتر دانش‌آموزان و دانشجویان با آموزه‌های حقوق شهروندی، ترتیبات لازم را اتخاذ مینمایند.
۵. رئیس‌جمهور هر ساله گزارش پیشرفت‌ها و راهکارهای رفع موانع تحقق حقوق شهروندی را به ملت ارائه و در صورت نیاز، منشور را روزآمد میکند. حسن روحانی، رئیس‌جمهوری ایران (منشور حقوق شهروندی، ۱۳۹۵: ۱۰ و ۲۴).

۸. بحث و بررسی؛ ارائه چارچوب نظری و مدل مفهومی

لغور حق به شهر را به عنوان جدالی برای بیگانگی زدایی فضای شهری و برای باز یکپارچه‌سازی آن در شبکه ارتباطات اجتماعی میبیند. در اندیشه‌ی لوفور عنصر بنیادین برای دستیابی به حقوق شهری به عنوان یکی از ضرورت‌های زیستی حقوقی در شهر، پیش از هر چیز، توانایی پس‌زدن نیروهای کنترل‌گر فضاهای شهری در فرایند تولید و بازتولید فضا، و به دنبال آن، با تبدیل کردن شهر به عرصه‌ای برای عمل، رسیدن به خود اداره‌گری و خود مدیریتی در مسائل متعدد شهری به عنوان یک شهروند و یک کنشگر در سطوح مختلف زندگی روزمره و مدیریتی است. آنچه از این فرایند پس‌زدن نیروهای سرکوبگر فضا و در نهایت رسیدن به خود اداره‌گری و خود مدیریتی آن حاصل می‌آید مفهومی است که حق به شهر نام دارد (جلالی و دیندار سنگجویی، ۱۳۹۴: ۱۰).

به زعم مارشال، شهروندی موقعیتی است که به کسانی که اعضای جامعه هستند، اعطا می‌گردد. همه‌افراد که صاحب چنین موقعیتی هستند، ضمن این که از حقوقی برخوردار می‌باشند، باید وظایفی را نیز که از آن موقعیت بر می‌خیزد، بر عهده گیرند (مرادیان و رحیمی، ۱۳۹۷: ۴۳).

حق به شهر مبتنی بر برخورداری همه ساکنان شهر از فرصت‌های زندگی شهری است. هانری لوفور فضای شهری را حق جمعی می‌داند که در آن سایر حقوق اجتماعی تحقق می‌یابد. او شهر را بازتاب کثرت‌گرایی و نیازهای ساکنان می‌داند و معتقد است دسترسی همگانی و آزاد به فضای شهر (عرصه عمومی شهر) پیش نیاز حق شهری است (پور محمدی و دیگران، ۱۳۹۸: ۱۵ برگرفته از: Lefebvre, 1991: 174).

علی‌رغم اینکه چند دهه از نظریه حق به شهر لوفور می‌گذرد، این مفهوم در جامعه‌ی شهری ما به ویژه، و در مطالعات شهری و جامعه‌شناسی شهری، آنچنان که باید روشن نگردیده است. آنچه که در دهه‌های اخیر، با توجه به گسترش شهرها و اهمیت فضاهای شهری به عنوان عرصه‌هایی برای عمل و کنش شهروندی و بسترهایی برای حق‌خواهی مورد توجه قرار گرفته، بحث حق به زندگی شهری و آنچنان که لوفور خود بیان می‌دارد؛ حق به شهر است. لغور حق به شهر را به عنوان جدالی برای بیگانگی زدایی فضای شهری و برای باز یکپارچه‌سازی آن در شبکه ارتباطات اجتماعی میبیند. در اندیشه‌ی لوفور عنصر بنیادین برای دستیابی به حقوق شهری به عنوان یکی از ضرورت‌های زیستی حقوقی در شهر، پیش از هر چیز، توانایی پس‌زدن نیروهای کنترل‌گر فضاهای شهری در فرایند تولید و بازتولید فضا، و به دنبال آن، با تبدیل کردن شهر به عرصه‌ای برای عمل، رسیدن به خود اداره‌گری و خود مدیریتی در مسائل متعدد شهری به عنوان یک شهروند و یک کنشگر در سطوح مختلف زندگی روزمره و مدیریتی است.

آنچه از این فرایند پس‌زدن نیروهای سرکوبگر فضا و در نهایت رسیدن به خود اداره‌گری و خود مدیریتی آن حاصل می‌آید مفهومی است که حق به شهر نام دارد. در مطالبه حق به شهر، ساکنان فضای شهری را برای خودشان میگیرند، آنها آن چیزی را تصاحب میکنند که برای خودشان است. این فرم از مواجهه کنش‌گرانه‌ی ساکنان با فضای تصاحب‌شده، به مفهوم مشارکت، به عنوان یک عامل ضروری از حق به شهر اشاره دارد. لوفور در جریان تولید فضا به نقش و اهمیت شهروندان و کنش‌مند عمل کردن آنها برای بدست آوردن فضاهای شهری، به عنوان یکی از ضروریات زیستی حقوقی شان در راستای دستیابی به حق به شهر، تأکید می‌کند (جلالی و سنگجویی، ۱۳۹۴: ۹ و ۱۰). در نهایت میتوان نتیجه گرفت که میان حقوق شهروندی و حق به شهر ارتباط مستقیم و غیر قابل چشم‌پوشی وجود دارد و به گونه‌ای که وجود حق به شهر و مولفه‌های آن توانایی تأثیر گذاری و ارتقاء حقوق شهروندی دارد. در این قسمت شاخص‌های مولفه‌های حق به شهر و حقوق شهروندی که در بخش‌های قبل به توضیح آن پرداختیم را با ارائه چارچوب نظری مورد تحلیل قرار داده و ارتباطات و قرابت آن‌ها بررسی می‌گردد.

۸-۱- تحلیلی از حق بر شهر

حق به شهر که یکی از از جنجالی ترین و شناخته شده ترین مفاهیم مطرح شده توسط هنری لوفور است و در کتابی با همین عنوان مطرح شده است، در سال ۱۹۶۷ درست یک سال بعد از خیزش جنبش های اجتماعی-سیاسی در اروپا و آمریکا به چاپ رسید. این کتاب که درست یک قرن پس از کتاب سرمایه ی کارل مارکس به چاپ رسید، از نظر اهمیت و موضوعیت آن در تحلیل مسائل اجتماعی و نیز شهری، به منزله ی بزرگداشت و امتداد این اثر محسوب می شود. لوفور حق به شهر را «درخواست برای دسترسی تحول یافته به زندگی شهری» می داند. در بیانی دیگر هاروی مفهوم حق به شهر لوفور را این گونه توضیح می دهد:

این حق بیش از آن که فردی باشد اشتراکی است، چرا که این تغییرات نیازمند یک قدرت جمعی برای بازشکل دهی به فرایند شهری است. آزادی و بازسازی شهر و نیز خودمان، به نظر من یکی از ارزشمند ترین حقوق بشری است که بسیار مورد بی اعتنایی قرار گرفته است هاروی، در تحلیلی دیگر از حق به شهر این حق به عنوان یکی از پیش نیازهای اساسی برای شکل گیری خودآگاهی و کنش این حق، را " بسیار فراتر از آزادی فردی در دسترسی به امکانات شهری " میدانند. به بیانی میتوان گفت حق به شهر حقی همگانی و مشارکتی در نحوه ی تغییر شهر است؛ چرا که آگاهی مستتر در این حق به شهر، از این امر با خبر است که در هر تغییری که، به شکل ها و فرم های مختلف، و برای دستیابی به این حق، در شهر به وجود آوریم، خود را نیز دگرگون خواهیم کرد زیرا نحوه ی هستی آدمی هرگز نمی تواند چیزی جدا و منفک از هستی مکانی اش باشد. بنابراین بر اساس این واقعیت عینی، مادی و هستی شناسانه است که حق به شهر حق همگانی است (جلالی و سنگجویی ۱۳۹۴، برگرفته از: روحی، ۱۳۹۲)

۸-۲- تحلیلی از حقوق شهروندی

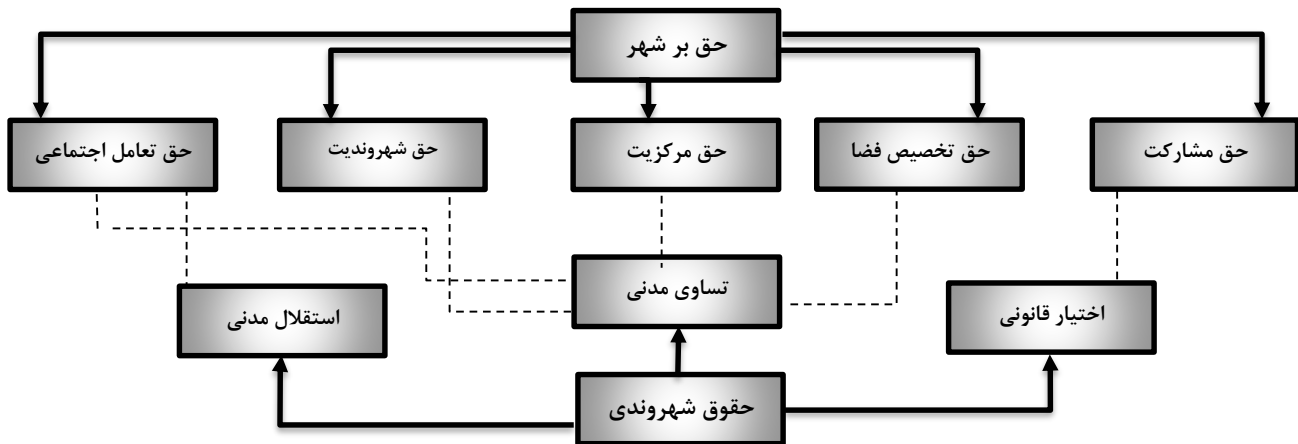
کوگان^۱، گراسمن^۲ و لیو در تحلیل شهروندی، چهار بعد فردی، اجتماعی، مکانی و زمانی را ذکر نموده اند:

- بعد فردی پیچیده ترین بعد است. به دلیل این که فرآیندهای درونی و خصوصی را به فرآیندهای بیرونی و عمومی ارتباط می دهد. بعد فردی شهروندی، بر گسترش توانایی فردی و تعهد نسبت به اصول اخلاق و رفتار تاکید دارد، که به لحاظ فردی و اجتماعی، توسط خصلت های ذهنی و فکری، عشق و علاقه و عمل مشخص میشود.
- بعد اجتماعی شهروندی مشخص می کند که شهروندان باید قادر باشند که در شرایط و موقعیت های مختلف نیز فعالیت کنند و کنش متقابل داشته باشند. آنها باید قادر باشند در مباحثات و مذاکرات، به منظور مشارکت در زندگی عمومی و فائق آمدن بر مسائل و مشکلاتی که به طور فردی با آن مواجه می گردند، با دیگران گفتگو کنند و در یک فضای محترمانه که همواره شأن انسان و زندگی اجتماعی در آن مراعات و حفظ می شود، به قضاوت رفتار یکدیگر احترام و بستر رشد ارزش های تازه را فراهم نمایند.
- در بعد مکانی، هر فرد، فراتر از خود و جامعه پیرامونی، در حیطه چند جامعه محلی، ناحیه ای، ملی و چند فرهنگی، عمل می کند. جهان به طور فزاینده مرزهای مادر را با تعلقات مجازی در هم می شکند. انسجام دهکده جهانی در قرن بیست و یکم از حجم و بعد بیشتری برخوردار است.
- بعد زمانی شهروندی بر این موضوع تاکید دارد که شهروندان، نباید خود را خیلی در زمان حال محدود کنند و از تحلیل گذشته و آینده غافل بمانند. در بعد زمانی، محدود بودن دیدگاه مان به شرایط خاص، سبب می شود وسعت زمان را درک نکرده و از گستره زمان غافل بمانیم (محسنی، ۱۳۸۹: ۱۲۸-۱۲۷، برگرفته از: فتحي و اجارگاه و واحد چوکده ۱۳۸۸، ۷-۱۰).

آلن سیرز و وان هبرت در تحلیل ابعاد شهروندی، دیدگاه دیگری را بیان می کنند. آنها ابعاد شهروندی را عبارت می دانند از:

- ✓ بعد مدنی شهروندی
- ✓ بعد سیاسی شهروندی
- ✓ بعد اجتماعی-اقتصادی شهروندی
- ✓ بعد فرهنگی یا گروهی شهروندی

در بعد مدنی شهروندی، ارزش های اساسی جامعه، حدود تصمیم گیری های دولتی در ارتباط با افراد شهروند، حقوق و تعاملات گروه های ویژه و ذی نفع را مشخص می کند. بعد مدنی شهروندی، عواملی نظیر آزادی در گفتار، برابری در مقابل قانون، آزادی در تعاملات و ارتباطات به معنای عام و همچنین جریان آزادانه دسترسی به اطلاعات را شامل می گردد. بعد سیاسی شهروندی، مسائل حق رای و مشارکت سیاسی شهروندان است. به عبارت دیگر، شهروندی سیاسی، به حقوق و وظایف سیاسی اشاره دارد که در قالب نظام سیاسی تبلور پیدا می کند. بعد اجتماعی- اقتصادی شهروندی، به ارتباط بین افراد در یک موقعیت اجتماعی و همچنین به مشارکت در یک فضای باز سیاسی اشاره دارد. بعد فرهنگی یا گروهی شهروندان، به شیوه ای از فرآیند گسترش تنوع فرهنگی اشاره می کنند که با موضوعاتی نظیر توانایی پذیرش فرهنگ های دیگر، مهاجرت جهانی، افزایش تحرک و تغییر پذیری همراه است. شهروندی فرهنگی به آگاهی از میراث عمومی فرهنگی اشاره دارد (همان).



دیاگرام ۱- دیاگرام کلی ارتباط حق به شهر و حقوق شهروندی (منبع: نگارندگان)

۹. نتیجه گیری

حقوق شهروندی با حقوق شهرنشینی متفاوت است، اما حقوق شهرنشینی جزئی از اجزای حقوق شهروندی است. شهروندان به دلیل زندگی کردن در شهرها از این حقوق برخوردارند. «حق بر شهر» مفهومی است که در چند دهه اخیر ظهور کرده تا ما مفاهیم عدالت محور در شهرها را بیشتر مورد بحث قرار دهیم. درست است که در اینجا از واژه حق، استفاده شده است اما ظهور و حضور این مفهوم از عدالت شهری است. وقتی می‌گوییم حقوق شهروندی، ۳ دسته دارای حقوق شهروندی هستند، صرف نظر از اینکه محل زندگی و شیوه زندگی‌شان چطور باشد؛ کسانی که در شهر زندگی می‌کنند و شهرنشین هستند، روستائین و کوچ‌نشینان. در ادامه تلاش شده تا نتایج حاصل از تحلیل و محتوای متون در راستای ارتباط حق به شهر و حقوق شهروندی از طریق جدول ارائه گردد.

جدول ۸- ارتباط مولفه های حقوقی شهروندی در قانون اساسی و از نظر کانت با مولفه های حق بر شهر

شاخص های حقوق شهروندی	صفات ذاتی و تفکیک ناپذیر حقوق یک شهروند از نظر کانت	حقوق شهروندی مذکور در قانون اساسی	مولفه های حق بر شهر
شاخص های حقوق شهروندی	تساوی مدنی	حقوق مدنی	✓ حق تخصیص فضایی
		حقوق قضایی	✓ حق شهروندیت
		حقوق اجتماعی-اقتصادی	✓ حق تعامل اجتماعی ✓ حق مرکزیت ✓ حق تخصیص فضایی
	استقلال مدنی	حقوق فرهنگی	✓ حق تعامل اجتماعی
	اختیار قانونی	حقوق سیاسی	✓ حق مشارکت

منبع: نگارندگان

حقوق شهرنشینی در عالم حقوق، مفهوم تازه و نویی است و در مقایسه با هم‌نوعان حقوق بشری خود، گستره محدودتری را شامل می‌شود. حقوق شهرنشینی از حق بر شهر می‌آید؛ شهری که در آن امکانات شهری به شکل عادلانه توزیع شده است و شهروندان در هر نقطه‌ای از شهر به امکانات شهری دسترسی دارند؛ اگرچه در کشور ما این حق هنوز به شکل گسترده‌ای مورد بحث و گفت‌وگو قرار نگرفته و صرفاً به شکل یک واحد درسی در دانشکده‌های حقوق و در تحصیلات تکمیلی مورد مطالعه قرار می‌گیرد. اما باید بپذیریم که در کشور ما ایران که شهرهای بزرگ با جمعیت میلیونی دارد، برای مدیریت بهتر شهر و زندگی باکیفیت‌تر شهروندانمان خوب است که حق بر شهر بیشتر مورد بحث قرار گیرد (منبع اینترنتی ۲).

بنابراین و به طور کلی از رهگذر بررسی و تحلیل متون متعدد پیرامون حق به شهر، این گونه می‌توان نتیجه گرفت که شهر متعلق به تمام افرادی است که در آن زندگی می‌کنند. حق به شهر یک حق انسانی است که شامل تعلق یافتن به شهروندان و مشارکت آنان در امور شهری است. قرار گرفتن این حق در چاقوب حقوقی انسانی به این معنی است که هر انسانی صرف نظر از ملیت، قومیت و ویژگی‌های فرهنگی، تنها به دلیل انسان بودن شایسته بهره‌مندی از این حق است (رفعیان و الوندی پور، ۱۳۹۵: ۴۴). در پایان به ارتباط شاخص های حقوق شهروندی به هر یک از شاخص های حق بر شهر می‌پردازیم:

جدول ۹- ارتباط شاخص های حقوق شهروندی و حق بر شهر

شاخص های حقوق شهروندی	شاخص های حق بر شهر مرتبط با حقوق شهروندی
تساوی مدنی	✓ حق تعامل اجتماعی ✓ حق مرکزیت ✓ حق تخصیص فضایی
استقلال مدنی	✓ حق شهروندیت ✓ حق تعامل اجتماعی
اختیار قانونی	✓ حق مشارکت

منبع: نگارندگان

فهرست منابع

۱. اکبری، حمیدرضا. ۱۳۹۵. نگاهی به حقوق شهروندی. تهران: انتشارات موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان.
۲. پورطهماسی، سیاوش، و آذر تاجور. ۱۳۹۰. حقوق و تربیت شهروندی در نهج البلاغه، پژوهش نامه علوی. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی: ۱-۲۳.
۳. پورمحمدی، محمدرضا، شهریور روستایی، و پخشان خضرنژاد. ۱۳۹۸. بررسی نقش حق به شهر بر احساس تعلق در میان گروه های جنسیتی (مطالعه موردی: فضاهای عمومی ارومیه). پژوهش های جغرافیای برنامه ریزی شهری: ۱۹-۱.
۴. جلالی، نساء، و حوریه دیندار سنگجویی. ۱۳۹۴. حق به شهر حقی برای زیستن بهتر و یک ضرورت. اولین کنفرانس سالانه پژوهش های معماری، شهرسازی و مدیریت شهری: ۱۲-۱.
۵. حبیبی، سید محسن، و مریم امیری. ۱۳۹۴. حق به شهر؛ شهر موجود و شهر مطلوب آنچه هست و آنچه باید باشد. پژوهش های انسان شناسی ایران: ۳۰-۹.
۶. حسینی، سید علی. ۱۳۹۲. مبانی فنی و اجرایی حقوق شهری و منطقه ای در ایران. رشت: انتشارات حق شناس.
۷. رفیعیان، مجتبی، و نینا الوندی پور. ۱۳۹۴. مفهوم پردازش اندیشه حق به شهر؛ در جستجوی مدلی مفهومی. مجله جامعه شناسی ایران: ۴۷-۲۵.
۸. رهبری، لادن، و محمود شارع پور. ۱۳۹۳. جنسیت و حق به شهر: آزمون نظریه لوفور در تهران. مجله جامعه شناسی ایران: ۱۱۶-۱۴۱.
۹. شمس ناتری، محمد ابراهیم، و سعید عطازاده. ۱۳۸۷. حمایت کیفی در حقوق شهروندی در ایران. فصلنامه علمی- ترویجی کارگاه: ۸۲-۶۶.
۱۰. شیانی، ملیحه، و حنان زارع. ۱۳۹۷. شهروندی شهری؛ حقوق و تکالیف شهروندان در تهران. فصلنامه برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی: ۱۳۶-۹۵.
۱۱. طاهری، محسن. ۱۳۹۵. نقد و بررسی جایگاه حقوق شهروندی در نظام حقوقی ایران با نگاهی به منشور حقوقی شهروندی، دوره دوم. همایش ملی تبیین حقوق شهروندی: ۱-۱۳.
۱۲. عساری، علی. ۱۳۹۶. حقوق و قوانین شهروندی در شهرسازی. تهران: انتشارات ترخون.
۱۳. قریشی، امیرحسین، و شورش عزیزی. ۱۳۹۶. شهروند و حقوق شهروندی: تعاملی بر ادیان آسمانی و باورهای زمینی. کردستان: انتشارات کانی کتیب.
۱۴. کاظمی، کیارش، و میلاد تفنگچی مهباری. ۱۳۹۶. جهانی شدن و تأثیر آن بر حق به شهر. فصلنامه مدیریت شهری: ۷۰-۶۱.
۱۵. کریمی، عباس، و غلامرضا کامیار. ۱۳۹۶. محیط زیست شهری در پرتو حقوق شهروندی. فصلنامه حقوق پزشکی: ۱۰۹-۸۲.
۱۶. محسنی، رضاعلی. ۱۳۸۹. ابعاد و تحلیل حقوق شهروندی؛ راهکارهایی برای تربیت و آموزش حقوق شهروندی، فصلنامه مطالعات سیاسی: ۱۴۴-۱۱۷.
۱۷. مرادیان، مسعود، و پرویش رحیمی. ۱۳۹۷. درآمدی بر حقوق شهروندی؛ چیستی، ضرورت، ابعاد، ویژگی ها و رویکردها. مجله دستاوردهای نوین در مطالعات علوم انسانی: ۴۴-۳۷.
۱۸. منشور حقوق شهروندی جمهوری اسلامی، آذر ماه ۱۳۹۵: ۳۰-۱.
۱۹. منوچهری، عباس، و فیروز جعفری. ۱۳۹۳. تأثیر جهانی شدن بر حقوق شهروندی در ایران. دو فصلنامه علمی- پژوهشی «پژوهش سیاسی نظری»: ۱۶۴-۱۳۵.
۲۰. هاروی، دیوید. ۱۳۹۸. از حق به شهر تا شهرهای شورش. ترجمه خسرو کلانتری و پرویز صداقت. تهران: انتشارات آگاه.
۲۱. هاروی، دیوید. مری فیلد، اندی. ۱۳۹۱. حق به شهر(ریشه های شهری بحران های مالی). ترجمه خسرو کلانتری. تهران: انتشارات مهر ویستا.
۲۲. یغفوری، حسین، و دیمن کاشفی دوست. ۱۳۹۷. ارزیابی و سنجش مؤلفه های برآمده از حق به شهر(نمونه موردی: شهر پیرانشهر). فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی شهری: ۶۸-۵۷.
۲۳. منبع اینترنتی ۱: تاریخ و ساعت بازدید: ۱۳۹۹/۰۳/۱۷، ساعت ۱۶:۱۴
۲۴. <https://www.hamshahrionline.ir/news/299348/%D8%AA%D9%81%D8%A7%D9%88%D8%AA-%D8%B4%D9%87%D8%B1%D9%88%D9%86%D8%AF-%D8%A8%D8%A7-%D8%B4%D9%87%D8%B1%D9%86%D8%B4%DB%8C%D9%86-%D8%AF%D8%B1-%D9%85%D8%B3%D8%A6%D9%88%D9%84%DB%8C%D8%AA-%D8%B4%D9%87%D8%B1%D9%88%D9%86%D8%AF%DB%8C-%D8%A7%D8%B3%D8%AA>
۲۵. منبع اینترنتی ۲: تاریخ و ساعت بازدید: ۱۳۹۹/۰۳/۲۵، ساعت ۱۲:۲۳
۲۶. <https://www.atnanews.ir/archives/195671/%D8%AD%D9%82-%D8%A8%D8%B1-%D8%B4%D9%87%D8%B1-%D9%88-%D8%B9%D8%AF%D8%A7%D9%84%D8%AA-%D8%B4%D9%87%D8%B1%DB%8C-%D9%BE%D8%A7%DB%8C%D9%87-%D8%AD%D9%82%D9%88%D9%82-%D8%B4%D9%87%D8%B1%D9%86%D8%B4%DB%8C%D9%86/>